

## آشنایی با فرهنگ و هنر ایران و جهان معاصر

اقتباس از کتاب:

فرهنگ ایران و تمدن جهان

بررسی راه طی شده ایران و تاثیر آن بر جهان

نویسنده: ریچارد فولتز

ترجمه: زهرا شجاعی

معرفی نویسنده:

ریچارد فولتز (به انگلیسی Richard Foltz) متولد ۱۹۶۱، **ایران‌شناس کانادایی** است. او در شهر کلمبوس واقع در ایالت اهایو، **در ایالات متحده آمریکا متولد شده است**. فولتز دارای **دکتری تاریخ و مطالعات خاورمیانه** از دانشگاه **هاروارد** است. او استاد گروه علوم دین دانشگاه کنکوردیای مونترآل نیز هست.

**فولتز بر نقش مهم ایرانیان در تاریخ جهان، به‌ویژه در حوزه ادیان، تأکید دارد.** او همچنین در اخلاق زیست‌محیطی و حقوق حیوانات در اسلام و دین زرتشتی کتاب نوشته است.

فولتز چهره‌های شناخته شده در **حوزه های تاریخ ایران و تاریخ مذاهب خاصه اسلام و زرتشتی است.**

تاکنون وی ده ها کتاب بیش از صد مقاله علمی به چاپ رسیده است و آثارش به بیش از ده زبان ترجمه شده اند.

مقدمه

ایران طی سه هزار سال گذشته پیونددهنده تاریخ جهان بوده است. با قرار گرفتن بر مسیر ارتباطی شرق و غرب، ایران مداوماً با تمدن‌های دیگر برخورد داشته و بر آنها تأثیر گذاشته است. در واقع **ردپای فرهنگ ایران** را می‌توان در **سراسر جهان** یافت، از باور به پارادایس گرفته تا فرش ایرانی، که نمادی تقریباً جهان‌شمول از هنر و زیبایی است.

**ایران** که **غریبان** تا **۱۹۳۵** آن را **پرشیا** میخواندند.

**طنز ماجرا** اینکه بسیاری از دانشمندان بزرگی که در قرون وسطی **فرهنگ کلاسیک غربی** را به اروپاییان بازگرداندند، **ایرانی** بودند هر چند که آنها اغلب به اشتباه عرب شمرده می‌شوند، زیرا معمولاً به عربی می‌نوشتند که زبان علمی آن روزگار بود. **دین پیشا اسلامی ایرانیان زرتشتی** بود.

در قاره آسیای جایی که **بیشتر جمعیت جهان** را در خود جای داده است - **ایران** اغلب به دیدهای مثبت تر نگریسته میشود. در واقع **ایران** از دید بسیاری از **آسیاییان** سرچشمه تمدن بوده است، همان طور که از دید **غریبان یونان** و روم باستان چنین بوده اند. **خاصه ادبیات پارسی عمیقاً در ترکیه، آسیای مرکزی و هند** مورد توجه بوده است؛ همچنین معماری، امور

دیوانی، موسیقی، آشپزی و مذهب ایرانی از سایر حوزه های نفوذ نیرومند ایرانی بوده است. **مسلمانان آسیا، که ۳/۴ از جمعیت مسلمان جهان را تشکیل می دهند.**

امروزه نه از یکی که باید از سه **دولت ایرانی** سخن گفت: جدای از جمهوری اسلامی ایران، زبان رسمی **تاجیکستان** و **افغانستان** پارسی است و به لحاظ فرهنگی ایرانی هستند. **ازبکستان** جمعیت پارسی زبان بزرگی که دارد که البته عمدتاً به رسمیت شناخته نمی شوند؛ ایشان بیشتر در سمرقند و بخارا سکنی دارند. **کردها که در شش کشور خاورمیانه پخش شده اند و چهارمین گروه بزرگ قومی را در آن تشکیل می دهند، بخشی از گروه بزرگتر ایرانی هستند، همچون بلوچهای ایران و پاکستان، پشتون های افغانستان و اوستیاییها و تاتهای قفقاز.**

اما آنچه که دقیقاً آینده «**هویت فرهنگی ایرانی**» را تعریف می کند، آبشخور این **حس غرور** است. مسلمانان **زبان پارسی** جزء **محوری این هویت** است. دیگری «سرزمین ایران» (**ایران زمین**) است، که بسیار **فرا تر** از مرزهای کنونی کشور می رود. و **شاهنامه**، به مثابه انباشت گاه **حافظه فرهنگی**، مصرع به مصرع در ترکیه، آسیای مرکزی و هند **محبوب عام** بوده چنانکه در ایران چنین است.

حتی مهمتر اینکه، **تمدن مرکبی که ما «ایرانی»** می نامیم، همواره در تعاملی پویا با همسایگانش – میانرودان، یونان، هندوستان و چین بوده است.

## فصل ۱

### همگرایی زمین و زبان (۵۵۰-۳۵۰۰ ق.م)

**داریوش بزرگ**، کسی که در طول ۳۶ سال پادشاهی خود، از ۵۲۲ تا ۴۸۶ قبل از میلاد، به **امپراتوری پارسی ها** (هخامنشیان) استحکام بخشید، اولین **بیانیه ثبت** شده تاریخ را از خود به جا گذاشته که در آن به **صراحت به تعیین هویت ایرانی** اشاره شده است. چنانکه وی در یکی از کتیبه های شاهانه خود اظهار می کند: «من یک **هخامنش** هستم، یک پارسی، **پسر یک پارسی**، یک آریایی، از نسل آریایی». **داریوش** پیرو چارچوبی که هنوز هم در بسیاری از موارد در خاورمیانه امروزی دیده می شود، در ابتدا خود را **در قالب خانواده، سپس قبیله و در آخر بر اساس گروهی بزرگتر، که امروزه به آن «نژاد» یا «قوم» گفته می شود، معرفی می کند.**

کلمه «ایران» از همان ریشه «آریایی» گرفته شده است. هر یوس، کلمه ای است که در حدود پنج هزار سال پیش در استپ های اور آسیا در زبان گفتاری به معنی «عضوی از گروه ما» بوده است. **شاید پانزده قرن بعد این تعیین هویت معنی انسان های نجیب و شریف» که به کلمه «ما» اشاره دارد را به حایز شده باشد. مردمی که از این کلمه جهت ابراز هویت خود**

استفاده می کردند آن را به محل زندگی خود گسترش دادند: ایرینه وئبجه (ایران ویج) یا سرزمین نجیب زادگان.

**فرهنگ آریایی که در هزاره چهارم قبل از میلاد نطفه بست**، در ابتدا بسیار متفاوت بود. جمع آوری حیوانات اهلی و تغییر چراگاه های تابستانی و زمستانی به میزان قابل توجهی در زندگی مردمانش نقش داشت.

**اخلاقیات جنگ طلبانه** همیشه در جوامع چادرنشین بارز بوده است. **غارتگران آریایی باستان**، دام، زمین و زن را به زور تصاحب نمی کردند بلکه آنها را از دست افراد بی لیاقتی که سزاوار آنها نبودند آزاد می کردند. **اشعار آنها ارزش هایی** را در داستان های حماسی مورد ستایش قرار می داد که بسیاری از آنها وارد متون کتبی از قبیل **ریگ ودایی سانسکریت**، **اوستای زرتشتیان و کتاب پادشاهان پارسیان** شد.

**ریگ ودای قدیمی ترین متن به زبان سانسکریت است** که برای اولین بار در **قرن هفتم قبل از میلاد در هند** نوشته شد، این متن **حافظ سنتهایی شفاهی** است که ظاهراً در کوه های اورال جنوبی و قرنهای قبل و بعد از سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد رواج داشته اند.

**اولین تمدن بزرگی** که اجداد ایرانی با حرکت به طرف جنوب با آن مواجه شدند، **فرهنگ عصر مفرغ** بود که از شرق دریای خزر، بین ناحیه کوهستانی افغانستان امروزی و استپ های خشک ترکمنستان و ازبکستان امروزی گسترده بود. این تمدن که از **اواخر هزاره دوم تا اوایل هزاره سوم قبل از میلاد** شکل گرفت، به **عنوان فرهنگی مادی**، شهرهای محصور، ظروف سفالی، ابزار و جواهراتی که با **حفاری های شوروی در طول قرن بیستم** کشف شد را از خود به جا گذاشته است. شوروی ها این مجموعه محل های مربوط به هم را با نام یونانی باستان دو ساتراپ باختر (شمال افغانستان امروزی) و مرو (تقریباً ترکمنستان امروزی) امپراتوری پارسیان که حدوداً متناظر بر این مناطق بود نام نهادند؛ مجموعه باستان شناسی **باکتریا مار گیانا**.

**هنگامی که چادرنشینها یکجانشینی را انتخاب کردند خیلی زود فرهنگ شهری را پذیرفتند** با این وجود آنها مانند ایرانی زبان های دوران باستان در **تحمیل زبان خود موفق بودند**. **پویایی چادرنشین-یکجانشین** به عنوان **مشخصه های اصلی** در جامعه ایرانی تا **اوایل قرن بیستم** حفظ شد.

در **شرق جیرفت**، در مرز افغانستان، بقایای شهر سوخته قرار دارد، **یک شهر بزرگ از عصر مفرغ** که بین سال های ۲۱۰۰ تا ۳۲۰۰ قبل از میلاد رونق داشته است. به نظر می رسد **فرهنگ جیرفت با فرهنگ شهر سوخته** مرتبط بوده است.

سایت شهر سوخته از بسیاری «**نخستین ها**» **برده برمی دارد** که شامل قدیمی ترین **چشم مصنوعی** شناخته شده، **کهن ترین تخته نرد و تاس**، و **مجموعه های آسیب دیده ای** است که نشان میدهند ساکنان این شهر **جراحی مغز و دندانپزشکی** را تمرین می کردند.

در قسمت اعظم تاریخ، **بین النهرین مرکز سیاسی و اقتصادی جهان ایرانی بود**، اگرچه اکثر ساکنان آن نه از نظر نژادی و نه از نظر زبانی ایرانی نبودند.

**عیلامیها علاوه بر شوشان (شوش که در جنوب کوههای زاگرس) تا اواخر هزاره سوم یک پایتخت کوهستانی در انشان، غرب شهر شیراز امروزی، برای خود تاسیسی کرده بودند. به همین دلیل غالبا به یک فرمانروای عیلامی «پادشاه شوشان و انشان» گفته می شد.**

**مذهب چند خدایی عیلامیها در محل های مختلف، متفاوت بود. زیگوراتی که حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد دقیقا در شرق شوشان بنا شده، شامل معبدهایی برای خدایان سرزمین های کوهستانی و دشت ها، احتمالا تلاشی در جهت یک کاسه کردن هر دو مذهب (بابلی و عیلامی) بوده است. عیلامیها اهمیت خاصی برای الهه ها قایل بودند و دانشمندان با استناد به این حقیقت مدعی اند که جامعه آنها در اصل زن سالار بوده است. الهه کری ریشا که در شمال عیلام به پنی کر معروف بود، خدای نخست مونث بود که تنها پس از همسرش هومبان دومین خدا محسوب می شد. به نظر می رسد این الهه بسیاری از خصوصیات خود را از قبیل تضمین باروری و سلامتی را بعدها از الهه آب ایرانی، آناهیتا، تقلید کرده باشد که از زمان هخامنشیان به بعد آیین او در همان ناحیه رواج پیدا کرد.**

**گوتی ها مردمانی کوه نشین چادر نشین بودند که از مرکز رشته کوههای زاگرس در طول اواخر هزاره سوم قبل از میلاد به بین النهرین حمله کردند و بخش وسیعی از آن را به تصرف در آوردند، به همین علت نقش بین النهرین در شوشان (شوش) کم رنگ شد.**

**آنها مردمی وحشی و خشن بودند که زنها و بچه ها را می ربودند و آیین مذهبی درستی را نداشتند. یک منبع سومری آنها را این گونه توصیف می کند: «صورت انسانی با حيله گری سگ و بدن میمون نما».**

**در طول مهاجرت اجداد ایرانی به سمت جنوب، احتمالا در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد، موبدی از تبار آنها شروع به سرودن سروده هایی نیایش گونه با ویژگی های بسیار خاص کرد. نام این موبد زراتوشترا (زرتشت) بود، که در غرب زراستر نامیده میشود.**

**اوستا، شامل گاتها، کتاب مقدس زرتشتیان شد، به همراه تشریفات مذهبی با عنوان «فدیه دادن هفت گانه» که در متون دیگری به زبان اوستایی جدید آیینی آمده که عمدتا در مورد مراسم نیایش مربوط به فدیة هایی هستند که به خدایانی به غیر از مزدا اختصاص داده می شود، شامل «میترا» الهه جنگ و «آناهیتا» الهه آب.**

**بعدها ثابت شد که بر خورد ایرانی ها و یهودیان یکی از مهم ترین وقایع تاریخ ادیان بوده است. یهودیت که بنیاد مسیحیت است، تا پیش از برخورد با ایرانیها آیین بر پایه قربانی دادن برای یهوه بوده است. به نظر می رسد بنی اسرائیل عقایدی را**

از آیین زرتشت اخذ کرده باشند که احتمالاً **گروه موبدان ماد** موسوم به **مغ** آن را از آسیای مرکزی به **غرب ایران** آورده اند؛ عقایدی نظیر وجود بهشت و جهنم، فرشته ها و شیاطین، ابلیس، احیای مردگان و روز قیامت و دوران ملکوت الهی از سوی یک منجی که پس از نبردی آخرالزمانی میان نیروهای خوب و بد می آید. **کتاب مقدس «أسفار ملکوت»** به زبان **عبری یاد آور این امر است.**

در طول قرن های هفتم و هشتم قبل از میلاد، **شش قبیله ماد با هم متحد شدند و بر اربابان آشوری خود شوریدند.** در حدود **سال ۶۷۲** قبل از میلاد آنها به کمک هم موفق شدند **آشوری ها را بیرون و استقلال خود را اعلام کنند، امپراتوری ماد** را تشکیل دادند. در سال ۶۱۲، **مادها پایتخت آشوری ها در نینوا** واقع در شمال بین النهرین را فتح کردند.

## فصل ۲

### ایران و یونانیان (۲۴۷-۵۵۰ ق.م)

**فتح بابل توسط کوروش،** پادشاه پارسیان در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، یکی از لحظات مهم در تاریخ یهودیان می باشد که در **کتاب مقدس عبری** ها نیز به آن اشاره شده است. در کتاب **اشعیا از کوروش به عنوان مسح شده خداوند** (به معنای دقیق تر؛ یک مسیح) یاد شده است.

**کوروش کبیر** همان طور که در غرب نیز شناخته شده، همان کوروش دوم، **پادشاه انشان در عیلام** بوده است.

**کوروش** که بیش از هر چیز **استراتژیستی بزرگ** بود، در صدد برآمد تا از تمامی ملتهای مختلفی که تحت فرمانروایی وی بودند، بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم فردی آنها حمایت کند که در میان آنها شمار یهودیان زیاد نبود. او با ورود به بابل به خدای بابلیها، **مردوک، ادای احترام کرد و بیانه مکتوبی از سیاست های خود** به همراه داشت که بر روی **استوانه ای حکاکی شده بود و بعدها در میان بناهای پرستشگاه مردوک دفن شد.** این منشور که در حقیقت یکی از آثار به جامانده از آن زمان است.

**منشور کوروش** در حقیقت شئی نسبتاً کوچک است که عرض آن کمتر از ۲۳ سانتی متر است. نوشته روی آن که به **خط میخی اکدی** است، به **شش قسمت تقسیم شده است، هر قسمت به ستایش ابعاد گوناگون اعمال روشنگرانه کوروش از زمان ورود او به بابل می پردازد.**

در عصر جدید منشور کوروش به عنوان اولین سند حقوق بشر در جهان محسوب می شود. نسخه بدل آن سردر سالن ساختمان سازمان ملل در نیویورک را مزین نموده است و ایرانیان آن را به عنوان یک **نماد ملی** از اوایل دهه ۱۳۵۰ ارج نهاده اند.

با اینکه **امپراتوری ایران وارث اصلی تمدن عیلام** بود، تداوم سنت مادها به وضوح دیده می‌شد. **ایرانیان از القاب مادها** مانند «**ساتراپ**» برای حکمران و سیستم حکومتی خود استفاده می‌کردند. آنها **اکباتان همدان** امروزی را که **پایتخت** مادها بود.

**کوروش** برای تحت فرمان در آوردن **سرزمین های ماد** به لیدیها در آناتولی مرکزی **حمله** کرد. ظاهراً این حمله به دلیل دفاع از مستعمره های ماد بود که توسط **گروزس حکمران لیدی** تصرف شده بود. **گروزس علی رغم ناتوانی و شکستش** در مقابل ایرانی ها، در سنت غربی به **نماد ثروت کلان بدل** شده است. شاید این پادشاه لیدی اولین فرمانروایی در تاریخ باشد که **سکه های طلا را ضرب کرد** و این سکه ها بعدها توسط پارسیان به عنوان **پول رایج** اصلی به کار رفت.

**کوروش** در سال ۵۳۰ ق.م در **جنگ علیه یکی از قبيله های چادرنشین سکایی** در آسیای مرکزی به نام **ماساگت** درگذشت. تا آن زمان او **بزرگ ترین امپراتوری را که جهان تاکنون به خود دیده است**، برپا کرده بود. این امپراتوری وسیع از شرق مدیترانه تا نواحی مرزی شمال غرب شبه قاره هند امتداد داشت. در دوران حکومت **پسر وی، کمبوجیه دوم، مصر نیز تحت سلطه پارس ها در آمد** و اولین آثار ثبت شده به زبان پارسی از خود بجای می گذارد. **اولین امپراتور داریوش بود.**

داریوش نه تنها در **وسعت بخشیدن** و سازماندهی امپراتوری پارسیان موفق بود بلکه این امپراتوری را از **درون اصلاح** کرد و ثبات آن را تضمین نمود. فیلسوف یونانی **افلاطون** قدرت امپراتوری پارس را ناشی از **کارایی قوانین** داریوش دانست. او با معرفی **ضرب سکه شاهی** با وزن مشخصی از **طلا (دریک) و نقره** (شکل) دادوستد را استاندارد ساخت. این سکه ها در طول تاریخ اولین سکه هایی بودند که **تصویری از چهره افراد از جمله داریوش** را بر روی خود داشتند.

**داریوش زبان آرامی** را به عنوان **زبان رسمی** حکومت خود تصویب کرد و **نه زبان پارسی** را.

او به **جهانی بودن امپراتوری خود افتخار** می کرده است. بیانیه رسمی او نیز به همه زبان ها و همه ملتها است. **۳۰ ملت و زبان** در این بیانیه معرفی شده اند. **جمعیت کلی این امپراتوری** در آن زمان احتمالاً حدود **۵۰ میلیون نفر** بوده که شامل شهروندان ایرانی و غیرایرانی از جمله نجیب زادگان، زمین داران، روستاییان، بازرگانان و صنعتگران، چادرنشینان و برده ها می شده است. **داریوش خود را «شاه شاهان»** می خواند و این نشان دهنده **بینش امپراتوری چندملیتی او است.**

در سال **۵۱۵ ق.م داریوش شروع به ساختن مجموعه کاخ های پرسپولیس** (برگرفته از کلمه یونانی پرسپس - پولیس به معنی شهر پارسه) درست در شمال شهر شیراز کنونی کرد و **ساخت آن ۱۰۰ سال** طول کشید. **پرسپولیس پایتخت بهاری پارسها و مرکز برگزاری مراسم و آیین های خاص در هنگام سال جدید یعنی جشن نوروز بود.**

آداب و رسوم بین النهرین تأثیر بسیاری بر هنر تاریخی هخامنشیان داشت. **فروهر (مظهر الهه خورشید سامی یعنی آشور بود) تندیس بالدار است که در قسمت میانی آن پیکر انسان دیده می شود.** این تندیس به عنوان **نماد پادشاهی** از زمان

داریوش به بعد استفاده می شده است.

**جانشین داریوش خشایارشا اول**، نبرد علیه یونان را جان تازه ای بخشید، او به **آتن رفت و پارتنون** را در سال ۴۸۰ قبل از میلاد به **آتش کشید**. **دو قرن بعد**، **اسکندر مقدونی برای انتقام از او پرسپولیس را به آتش کشید**.

منابع یونانی عمدتاً از **زنان** به عنوان **دسیسه گران جاه طلبی که مسبب توطئه های درباری هستند**، یاد می شود. **رسم ازدواج با محارم** ( در میان خانواده شاهنشاهی، **برای نخستین بار توسط هرودوت** در طول قرن پنجم قبل از میلاد ثبت شده است، **اما نویسندگان غربی آن را محکوم کرده و آنها را متونی ساختگی و تمسخر آمیز خوانده اند**.

در **اواخر قرن پنجم قبل از میلاد زنی ایرانی به نام مانیا به حکمرانی ایالت ایولی** در غرب آناتولی منصوب شد.

**پسر خوانده مانیا** این را شرم آور دانست که زنی صاحب چنین مقام بالایی باشد و او را کشت.

**چند سال بعد اسکندر پس از حملهای موفق به هند**، در **۳۲۳ ق.م** به **بابل لشکر کشید به شکلی نابهنگام از دنیا رفت**. فاتح مقدونی در سراسر امپراتوری پایگاههایی یونانی را بر جای گذاشت که بسیاری از آنها در قالب **شهرهای جدیدالتاسیس و به سبکی یونانی بر خود نام اسکندر** را یدک می کشیدند. حداقل **۲۰ اسکندریه** در **آسیای غربی و مرکزی ساخته شد** که تنها پنج مورد از آنها در افغانستان واقع بودند. (**شهر قندهار توسط اسکندر بنا شد و تا سال ها اسکندریه نامیده می شد**).

در اثر برخورد پارسیان و یونانیان، **عقایدی** همچون وجود بهشت و تصورات ذهنی از بوستانی مفرح و فره ایزدی و انتصاب الهی به غرب راه یافت. و این عقاید از طریق مذهب، هنر و معماری به تجسم یافته اند که تاریخ آنها حداقل به زمان هخامنشیان باز می گردد. **واژه انگلیسی «پارادایس» ریشه در کلمه اوستایی پردیس یا فردوس دارد** که به معنای «محوطه محصور» است. از آنجا که ایرانیان باستان در **آبیاری** زمین های بایر از طریق قنات پیشتاز بودند، تعجبی ندارد که آنها باغ های خود را به بهشتی در بیابان تعبیر می کردند. **هخامنشیان ساختن باغها را راهی برای پیشرفت آبادانی جهان می دانستند** و این ضرورت اخلاقی مهمی در آیین زرتشت بود و باغ **چهار گوش را چهار باغ** نامیدند.

در هنر ایرانی، **خورنه با پرتوهای نوری در اطراف سر پادشاهان نشان داده می شود**. یونانیها و رومیها هر **دو کلمه تیج بازیلیوس (الهه شانس یونانی) و الهه خوشبختی (لاتین)** را از زبان های دیگر وارد کرده اند. این سمبل ها بعدها الهامی برای استفاده از **هاله های نور برای نشان دادن افراد مقدس در مسیحیت** شد. و بعد از آن، **هنر اسلامی خوره یا فر را به جای حلقه طلایی در اطراف سر با آتش نشان داد**؛ به این ترتیب مقام و منزلت پیامبران به تصویر کشیده می شد و تصویر پیامبرانی مانند آدم، نوح، یوسف، محمد و ... بدین صورت مزین می شد.

## فصل ۳

### پارتیان، ساسانیان و سغدیان (۲۴۷ ق.م تا ۶۵۱ م.)

در ۱۴ نوامبر سال ۵۵ ق.م، یک فرمانده رومی به نام **مارکوس کراسوس** در راس لشکری بزرگ به سمت شرق حرکت کرد. هدف او شکست امپراتوری پارتی در ایران و به دست گرفتن کنترل دادوستد پرمفعت **جاده ابریشم** بود.

**تکبر کراسوس** منجر به فاجعه در روم شد: در ششم ماه مه سال ۵۳ ق.م، لشکر ۱۰۰ هزار نفری او توسط پارتیان در کارایی (حران امروزی در جنوب ترکیه) شکست سختی خورد.

**تاکتیک «جنگ و گریز» برای آنها شیوه ای از زندگی شان بود.**

پارتیان یا اشکانیان با آنکه ساز جدایی طلبی از سلوکیان زدند تا سلسله خود را تاسیس کنند، بسیاری از آداب و رسوم یونانی را حفظ کردند.

لقب شاهانه پارسی «شاهنشاه» را از آنها گرفتند. حکومت پارتیان به شدت نامتمرکز بود و قدرت آنها اساساً بستگی به حمایت دائمی هفت خاندان قدرتمند داشت که چندین ایالت را اداره می کردند.

همچنین میترا در میان مجموعه ای از مجسمه های عظیم در کوه نمرود، در جنوب شرقی آناتولی که در طول قرن اول قبل از میلاد توسط پادشاهی ارمنی از سلسله کوماژن ساخته شد.

جدا از آیین های میترای و زرتشتی، مذاهب غیرایرانی از قبیل بودایی، یهودی و مسیحی در دوران حکومت اشکانیان پیشرفت زیادی کردند.

کنترل اشکانیان در شبکه تجاری جاده ابریشم باعث ثروتمند شدن این امپراتوری شد و آن را به از قدرت های بزرگ و مهم در آغاز عصر مسیحیت بدل کرد.

حکومت اشکانیان مانند مادها در هشت قرن پیش، از درون منقرض شد.

ایران در طول قرن سوم نسبت به روم دست بالا را داشت. پسر اردشیر، شاپور یکم، حکمرانی طولانی و پراوازه خود را با پیروزی سرنوشت ساز در برابر رومی ها در سال ۲۴۴ م. آغاز کرد.

دوران حکومت شاپور نیز دوره جنجال مذهبی بود که در طول آن چندین مذهب بزرگ ماهیت خود را به نمایش گذاشتند. امپراتوری بابل که فعال ترین و پرجمعیت ترین بخش امپراتوری ساسانیان بود، منطقه ای جهانی بود که نشانه



های گوناگون مذاهب یهودی، مسیحی و آیین های محلی در آنجا دیده می شد. در میانه این مجموعه فرهنگی، آیین التقاتلی مانوی شکل گرفت.

مانی موفق شد در دربار امپراتوری طرفداری برای خود پیدا کند.

در آن زمان، جوامع مسیحی، یهودی، زرتشتی و بودایی در مورد صحت متون مذهبی دچار تردید و به علت مشاجرات بر سر مسائل دینی از درون دچار آشوب شده بودند. مانی زیرکانه با تاکید بر اینکه تمامی کتب مقدسی اصلی مستقیماً توسط وی دریافت و با دستان خود او به صورت مکتوب در آمده است، توانست موقتا مانع بحث و نزاع میان پیروانش شود. در واقع او با نوشتن نسخه رسمی کتاب مقدس خود باعث شد مذاهب دیگر نیز به فکر تدوین کتاب مقدس برای خود باشند.

به نظر می رسد قدرت موبدان در طول دوره ساسانیان با جریان نگرش های مردسالارانه همراه شده باشد. در متون زرتشتی پارسی میانه، زنان با عبارات منفی توصیف شده اند؛ «آنها مردان پاکدامن را به بیراهه می کشانند و با عادت ماهانه باعث آلودگی دنیا می شوند.» بالاترین فضیلتی که زنان می توانستند آرزو کنند، اطاعت کردن بود. زنان طبقه اشراف می توانستند در اداره امور اعمال نفوذ کنند، اما زنان معمولی در اصل جزو اموال شوهرانشان به حساب می آمدند و هیچ گونه حق قانونی نداشتند و اگر هم داشتند این حق بسیار ناچیز بود. تمایلات جنسی زنان باعث نگرانی بود و به طور جدی کنترل می شد.

در هر حال در مقایسه با جهان روم، ساسانیان هرگز مذهبی را ممنوع نکردند.

در اواخر قرن پنجم میلادی، امپراتوری ساسانی هم از لحاظ سیاسی و هم مالی رو به زوال رفت. نجیب زادگان زمیندار و موبدان بیشترین قدرت و ثروت را در دست داشتند.

مزدک که زرتشتی ولی از مخالفان بود، نوعی کمونیسم اولیه را اشاعه داد.

مزدک حمایت پادشاه ساسانی، قباد یکم، که بین سالهای ۴۸۸ تا ۴۹۶ و ۴۹۸ تا ۵۳۱ م. حکومت کرد جلب کرد تا مورد نفرت و کینه کشیشان و نجیب زادگان قرار گیرد که معتقد بودند: «در صورتی که زنان و ثروت به طور مشترک مورد استفاده قرار گیرند.

خسرو یکم را در سال ۵۳۱ م. بر تخت پادشاهی نشست و مزدک را به همراه هزاران نفر از پیروانش قتل عام کنند.

خسرو، معروف به انوشیروان، به معنای روح جاودان، به عنوان بزرگترین امپراتور ساسانی به افسانه ها پیوسته است.

انوشیروان جدا از عملیات نظامی و پروژه های ساختمانی بزرگ، به دلیل حمایت از علم و هنر معروف بود. در دوران جوانی اش علم فلسفه را تحت نظر چند استاد مسیحی فرا گرفت. او دانشگاه گندی شاپور در خوزستان را رونق بخشید.

**خسرو روابط خود را با هند گسترش داد و بازی شطرنج در زمان پادشاهی وی از این کشور وارد ایران شد.**

**بزرگمهر تخته نرد را اختراع کرد که بعدها این بازی به هندوستان منتقل شد. بزرگمهر در شکل گیری آثار «ادب الحکمه» و «نصیحت الملوک» که در دوره اسلامی بسیار رواج یافتند، نقش بسزایی داشته است.**

**کتاب کلیله و دمنه نمونه ای از این نوع ادبیات است.**

**جدا از آموزش اصول عدالت و ادراک سیاسی، «نصیحت الملوک»ها نمونه ای از سبک زندگی پادشاهی را ارائه می دهند.**

**این نوع نصایح به فرزندان نیز منتقل میشد: متون زرتشتی در مورد تحصیل درست ۴۳ اصل را برای دانش آموزان خوب برمی شمرد، از جمله: «در مسیر رفت و آمد به مکتب آنها باید مسیر مستقیم را انتخاب کرده و با سگها، پرنده ها و گاوها بدرفتاری نکنند و آنها را نزنند.**

**هرمز پنجم در سال ۵۷۹ م. در شرایطی به جای خسرو انوشیروان به تخت شاهی نشست.**

**هرمز در ابتدا چشم امید به یکی از فرماندهان به نام بهرام چوبین دوخت. او عضو یکی از هفت خاندان قدرتمند پارتی بود که از ابتدا حکومت ساسانیان به حمایت آنها وابسته بود. دو نفر با بهرام به مخالفت برخاستند و او شورش کرد.**

**در اثر این واقعه هرمز در سال ۵۹۰ سرنگون و توسط دو تن از دایی هایش که پارتی بودند، کشته شد. آنها پسر هرمز، خسرو دوم معروف به خسرو پرویز را بر تخت پادشاهی نشانند.**

**علی رغم اینکه مردم از خسرو دوم به عنوان پادشاهی بزرگ یاد نمی کردند، او بعدها در ادبیات پارسی مانند شاهنامه فردوسی و خسروشیرین نظامی گنجوی شهرت ابدی یافت.**

**خسرو دوم مدت کوتاهی پس از عزل شدن، به همراه تمامی خویشاوندان مرد خود که احتمال می رفت وارثان تاج و تخت باشند، اعدام شد.**

**بعد دختر خسرو پوران دخت بر تخت شاهی نشست، پس از پوران دخت پسر شهر براز قدرت را به دست گرفت، بعد از او دختر دیگر خسرو به قدرت رسید و در پایان پوران دخت برای بار دوم بر تخت نشست و همه این اتفاقات طی سه سال رخ داد.**

**جای تعجب نیست که حکومت دوم پوران دخت توسط قاتل او به پایان رسید. جانشین او، یزدگرد سوم که از سال ۶۳۲ تا ۶۵۱ م. بر مسند قدرت نشست، آخرین پادشاه ساسانی بود.**

## فصل ۴

## ورود اسلام به ایران (۴۰۶-۳۰ ه.ش)

ظهور ناگهانی اعراب به عنوان قدرت ژئوپولیتیکی بزرگی که در اواسط قرن هفتم زایش یافت، یکی از رویدادهای مهم تاریخ جهان است.

اسلام که در ادبیات عرب به معنی «تسلیم» است، در واقع نوآوری عربی است و از این رو از بسیاری جهات، این دین عربی است. اما بخش هایی از قرآن بر مبنای روایات و عقایدی است که از پیش وجود داشته اند و عقاید ایرانیان و یهودیان نیز شامل آن می شود. ایرانیان قدمتی طولانی داشتند و در طول سواحل شبه جزیره عرب، به تجارت می پرداختند، از این رو فرهنگ ایرانی برای اعراب ناشناخته نبود. فردی به نام سلمان که دوست صمیمی محمد پیامبر (ص) بود، شیوه حفر گودال را در جنگ خندق به اعراب آموخت و این شیوه جنگی، نقطه عطفی در جنگ های مسلمانان با دشمنان مکی شان بود. طبق روایتی؛ پیامبر (ص) در عزیمت معجزه آسای شبانه ای (معراج) بهشت و دوزخ را مشاهده می کند و مسلمانان بسیاری از او استقبال می کنند.

پیامبر اسلام در سال ۶۳۲ م. (۱۱ ه.ش) از دنیا رفت، در همان سال یزدگرد سوم در هشت سالگی بر تخت سلطنت ساسانیان در ایران نشست. حیطة عمل سپاه اسلام در زمان حیات پیامبر (ص) محدود به عربستان می شد، اما از سال ۶۳۶ م. پیروان او هجوم به امپراتوری ساسانیان را آغاز کردند و طی یک دهه، آنها تمام این امپراتوری را تسخیر کردند. این شاهکار قابل توجه باعث تعجب مورخین و نیز سردرگمی و ناراحتی بسیاری از ایرانیان شد. چگونه مردمی که در اوج بی تمدنی زندگی می کردند و چیزی بیش از مهاجمانی نبودند که پیاپی مرزهای این امپراتوری بزرگ را مورد تاخت و تاز قرار می دادند، موفق شدند بر حکومت دیرینه ایران غلبه کرده و آن را نابود کنند؟

عامل دیگری که در موقعیت اعراب نقش داشت این بود که ساکنین بسیاری از شهرها به خصوص سوریه و بین النهرین، بدون بحث و مجادله اعراب را پذیرفتند. دلیل این امر خیلی پیچیده نیست، اکثر ساکنین این سرزمین ها سامی بودند و قرابت بسیاری به اعراب و اهداف مشترکی با آنها داشتند، زیرا به مدت بیش از هزار سال از سوی پارسیان و رومیان، مورد آزار قرار گرفته بودند.

برای بسیاری که از حکومت امویان دلسرد شده بودند، مکتب شیعه، که نطفه اش آن زمان بسته شد اما ایدئولوژی اش هنوز شکل نگرفته بود، نیروی متحد کننده قدرتمندی بود. این جنبش ریشه در قضیه قصب خلافت و واقعه تراژیک عاشورا

**داشت. قتل تنها فرد از خاندان پیامبر(ص) اسلام که بر خاندان اموی شورید، انگیزش بخشی شیعیان در مبارزه با حکومت های مستقر شد. با وجود پیروزی امویان، کربلا به همراه نواحی جنوبی عراق به عنوان پایگاهی شیعی، هنوز هم پابرجاست و از آن زمان تاکنون هر سال مراسم سوگواری در بزرگداشت آن واقعه برپا می شود که در میان رسوم مذهبی شیعه از اهمیت خاصی برخوردار است.**

**ایرانی ها که در شرق علیه حکومت امویان به پا خاسته بودند، اکثرا یا به ظاهر اسلام آورده بودند یا اصلا مسلمان نبودند. بسیاری از آنها به جمع معروف عباسیان ملحق شدند؛ عباسیان ظاهرا متمایل به شیعیان بودند که طبق این اصل که خلیفه می بایست یکی از اعضای خاندان پیامبر(ص) باشد، مخالف مشروعیت امویان بودند. (آنها حول نوادگان عباس، یکی از عموهای پیامبر(ص) اسلام گرد آمده بودند.**

**ابومسلم در کرانه های «رود زاب» به مصاف امویان رفت و نهایتا در سال ۷۵۰ (۱۲۹ ه.ش) در عراق آنها را شکست داد. امویان سرنگون شدند و خلیفه جدید عباسی، سفاح، پایتخت را از دمشق به پایگاه شیعی کوفه در جنوب عراق در کناره غربی ایران تغییر داد.**

**با مرگ ابومسلم، همه ایرانیان دولت جدید را نپذیرفتند. یک رهبر زرتشتی جدید به نام سندباد در سال ۷۵۵ (۱۳۴ ه.ش) سپاهی تشکیل داد و عهد بست انتقام ابومسلم را بگیرد. او به مکه تاخت تا مقدس ترین زیارتگاه اسلام یعنی «کعبه» را ویران کند، اما موفق نشد.**

**آخرین شورش محلی بزرگ ایرانی، شورش مزدکیان جدید به رهبری بابک خرمدین در آذربایجان بود که از سال ۸۱۶ تا ۸۳۷ (۲۱۵-۱۹۵ ه.ش) به طول انجامید. بابک که به مدت بیش از دو دهه از چنگ دولت گریخته بود، سرانجام دستگیر شد و جهت محاکمه نزد خلیفه معتمد فرستاده شد. خلیفه در صدد بود تا این رهبر شورشی را برای عبرت دیگران تنبیه کند. او دستها و پاهای بابک را قطع کرد. بابک باعث تعجب رهبر مسلمانان شد، او با مالیدن خونی که از دستهایش قطع شده اش خارج می شد بر گونه هایش، گفت: «من صورتم را سرخ می کنم تا هنگامی که خون از بدنم خارج شد، مردم با خود نکویند از ترس رنگ از رخسارش پریده است پس از سرکوبی شورش بابک و با مرگ بیش از ۱۰۰ هزار نفر از پیروان او، با آنکه جنبش های شورشی در ایران ظاهری شیعی به خود گرفتند ولی بسیاری از آنها اعتقادات زرتشتی و مزدکی را در باطن حفظ کردند.**

**تشکیل حکومت عباسی حاکی از تحولی اساسی در تاریخ اسلام بود. نخست، با پیروزی در برابر امویان، مسلمانان عرب و غیر عرب نزد آنها از حقوق یکسان برخوردار شدند. از آن به بعد اسلام تبدیل به مذهبی عمومی شد، نه مذهبی منطقه ای. چه مسلمانان و چه غیر مسلمانان اغلب بر این باور بوده اند که قرآن گویای تمام مذهب اسلام است.**

فقه‌های اسلامی مختلف که هر یک طلاب و پیروان خود را داشتند، رویکرد خاصی را در پیش گرفتند. برخی از این فقها در مکاتب رسمی با هم یکی شدند در حالی که بقیه به دلیل کهنگی به فراموشی سپرده شدند. **اهل سنت (سنت گرایان)** که اکثریت جامعه مسلمانان را تشکیل می‌دهند، پیرو **چهار مکتب** فقهی عمده شدند.

**در سطوح خلافت، ولایات و منطقه ای، حکومت های مسلمان نیاز به حمایت علما** داشتند تا به **حکومت آنها مشروعیت** ببخشند (آنچه که برای دولتمردان که اغلب رفتار غیراسلامی داشتند، چندان به سادگی حاصل نمیشد). گروههای رقیب علما مدام برای جلب حمایت مقامات با هم به رقابت می پرداختند. همچون طبقه بازرگانان، پیوند میان خانواده های **مقامات حکومتی و روحانیون مذهبی اغلب با ازدواج ها و سرمایه گذاری های تجاری مشترک مستحکم می شد.** به این ترتیب بین قدرت های مذهبی و غیر مذهبی در جامعه مسلمان، **رابطه ای هم زیستی** ایجاد شد که هنوز هم در جامعه ایران این امر مشهود است.

**دیگر دانشمندان ایرانی، اسلام را کاملا جدی می گرفتند.** برای مسلمانان سنی با ایمان **احتمالا تاثیرگذارترین** شخص بعد از پیامبر(ص) اسلام، **محمد غزالی** بود که مجموعه **چهل جلدی احیاء علوم الدین (احیای علوم مذهبی)** او به عنوان منبع دینی مهمی در طول قرن‌ها بسیار پرطرفدار بوده است. او در اوایل دوران زندگی خود به عنوان **استاد الهیات در نظامیه بغداد شهرت یافت.** اما پس از **استادی در فلسفه یونان** برای عبور از آن، **مرحلهای بحرانی** را در سن ۳۰ سالگی تجربه کرد و از زندگی اجتماعی دل کنده و به **خلوت روی** آورد. بعدها غزالی در خاطراتش نوشت: «من شوقم به تدریس را آزمودم و دریافتم که این خواستی خالصانه برای رضایت الهی نیست بلکه اشتیاقی برای جستن مقامی نافذ و احترام مردمان است.»

**غزالی پس از کناره گرفتن از استادی،** به مدت یک دهه در شامات به **طلبگی استادی صوفی مرام** پرداخت. سرانجام او به شهر خود یعنی **طوس** در خراسان بازگشت و بقیه عمر خود را صرف نوشتن کتاب ها و آموزش گروه کوچکی از شاگردان برگزیده و ممتاز در این شهر کرد.

**تصوف اصطلاحی است در رابطه با عرفان اسلامی که در قرن هشتم (دوم و سوم هجری) توسط عارفان مسلمان** ایجاد شد. حتی برخی پیامبر(ص) اسلام را **اولین صوفی می دانند،** در صورتی که این اصطلاح در آن زمان وجود نداشت. «**حسن بصری**» فرزند یک غلام پارسی آزادشده، یکی از بنیان گذاران تصوف به شمار می آید.

در میان **صوفیان مستانه (خلسه ای)** «**منصور حلاج**» مشهورترین بود.

**احتمال می رفت** تنش های حاصله منجر به **متلاشی شدن جامعه مسلمان** در حال پیشرفت شود، تا اینکه **غزالی** که خود هم فقیهی کار آزموده و هم **صوفی** مکلف بود، با اعمال خود، نشان داد که **هر دو نگرش می توانند با هم سازگاری** داشته

باشند. در اصل، **غزالی** نشان داد که **تنها راه مطمئن برای پیشرفت روحانی**، فنون **خلسه نیست** بلکه **تنها راه پیروی از شریعت** است؛ تنها یک **مسلمان** واقعی می تواند به **پیشگاه خداوند** راه یابد.

**اکثر کاتبان و دولتمردان حکومت عباسی و همچنین مقامات عالی رتبه از جمله صدراعظم ها، ایرانی** بودند. در طول قرن **تکوینی هشتم** (دوم و سوم هجری) **خاندان برمک (برمکیان)** که از **تبار کاهنان بودایی بلخ** بودند، به طور کامل **کنترل دولت عباسی** را در دست گرفتند و **حامی بسیاری از آداب فرهنگی ایرانی در دربار و خارج** از آن شدند. با این وجود، به علت اینکه **زبان عربی زبان رسمی حکومت** بود، در میان طبقه سرآمدان، **دو زبانه بودن** امری عادی بود. از آنجا که **خلیفه های پیشین اغلب همسران ایرانی** برای خود برمی گزیدند، در هر نسل، **فرزندان آنها نیز دارای نژاد ایرانی** بودند. این فرزندان **مسلمان بیشتر دوران کودکی خود را در حرمسرا** می گذراندند تا وقت بسیار داشتند تا **فرهنگ مادران خود را نیز فراگیرند**.

**کاتبان ایرانی در واکنش به تعصب عربی** این شاهکارهای ادبی عبارتند از: **کلیله و دمنه** که داستان هایی از زبان حیوانات است، **هزارویک شب** و همچنین **خداینامه** که منبع اصلی الهام فردوسی در **خلق شاهنامه** بود.

در شمال، **سلسله سامانیان** (۹۹۹-۸۱۹ [۳۷۸-۱۹۸ ه.ش]) که پایگاه آنها در **بخارا** بود، در **احیای زبان پارسی** پا را فراتر نهادند و **تاریخ طبری** نوشته «محمد بن جریر طبری» و **تفسیر قرآن** وی را که از آثار بزرگ یکی از **معتبرترین دانشمندان زمان** بود.

**جعفر بن محمد رودکی** و **ابومنصور دقیقی** از نخستین و معتبرترین **شاعران ادبیات پارسی** بودند که به تازگی شهرت یافته و مورد **حمایت سامانیان** قرار گرفتند. **مصراع معروف رودکی** غم غربت سربازی که در جنگ به سر می برد را در ذهن مجسم می کند: «**بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی**».

«**پارسی نوین**» که **زبان جایگزین زبان پارسی میانه دوره ساسانیان** است، به **حروف الفبای عربی تغییر** یافته نوشته شده و شامل **شمار زیادی وام واژه های عربی** میشود. این اتفاق بعد از **حمله نورمن ها** به انگلستان در سال ۱۰۶۶ م. برای **زبان انگلیسی** نیز افتاد؛ **زبان فرانسه** به مدت **دو قرن** به عنوان **زبان اداری انگلستان** در نظر گرفته شد که در نتیجه آن شکل **جدیدی از زبان انگلیسی** به وجود آمد که **کاملاً با زبان فرانسوی بارور** شده بود.

در نتیجه اهمیت **ادبیات پارسی** به عنوان **یک شاخص فرهنگی از زمان رودکی** به بعد، **زبان پارسی ثابت مانده** و امروز ایرانیان قادر به خواندن آثاری متعلق به هزار سال قبل هستند. **بزرگترین اثر ادبی در زبان پارسی نوین کتاب شاهنامه فردوسی** است.

**فردوسی** به عمد از کاربرد **کلمات عربی اجتناب** می کرد و می کوشید تا **زبان پارسی خالص** و بدون هیچ وام واژه ای را

در نوشته های خود به کار گیرد. بدین لحاظ شاهنامه به کمال اعواجی اساسی در **کانون هویت فرهنگی ایرانی** را به تصویر می کشد **اکثر ایرانیان از هزار سال پیش مسلمان بوده اند.**

## فصل ۵

### ترکان: جهانگیران و حامیان فرهنگ پارسی (۱۱۰۱-۴۰۶ ه.ش)

**محمود غزنوی، جنگسالار ترک،** در حملات خود به **هندوستان** در نیمه اول **قرن یازدهم** (چهارم و پنجم هجری)، دانشمندی ایرانی به نام **ابوریحان بیرونی** را همراه داشت که در **توصیف ساکنان این شبه قاره** می گوید:

**هندی ها** از هر نظر با ما کاملاً فرق دارند ... مذهب آنها کاملاً با ما متفاوت است، ما به اعتقادات آنها ایمان نداریم و آنها هم باورهای ما را قبول ندارند. همه آداب و رسوم ما از جمله طرز لباس پوشیدن ما و راه و رسم ما با آنها متفاوت است، تا آنجا که آنها فرزندان خود را از ما می ترسانند و ما را از نژاد شیطان می خوانند و اعمال ما را ناشایست و غیر معقول می دانند.

به دنبال **تاخت و تازهای محمود غزنوی**، در طول بیش از ۸ قرن **شبه قاره هند** به طور فزایندهای **تحت استیلای سلسله های ترک قرار گرفت.** تبار ترکها به آسیای میانه برمی گشت و به همین علت نوعی **تمدن اسلامی - پارسی** را به هند آوردند.

در حقیقت، **مردمان ترک زبان** نقش مهمی در **تاریخ ایران ایفا** کردند، آنها از قرن یازدهم تا اوایل **قرن بیستم** (پنج تا چهارده هجری) بر این سرزمین حکومت کردند. حتی امروزه آنها بیش از **یک چهارم جمعیت ایرانی** را تشکیل میدهند.

تا **قرن دهم** (چهارم و پنجم هجری)، با **تضعیف اقتدار مرکزی خلیفه مستقر در بغداد**، حکومت هایی دارای استقلال نسبی تاسیس شدند. حتی در **بغداد خلافت تحت تفوق سیاسی آل بویه** قرار گرفت. **آل بویه ریشه در شمال ایران داشتند** و از سال ۹۳۴ تا ۱۰۶۲ (۴۴۱-۳۱۳ ه.ش) **کنترل سرزمین های مهم اسلامی** را در دست گرفتند.

در سال ۱۰۲۷ (۴۰۶ ه.ش) **محمود توجه خود را به سوی غرب متمرکز کرد و مرکز ایران را از چنگ شیعیان آل بویه دوباره از ادعای بازگرداندن اسلام سنی به نفع خود استفاده برد. سه سال بعد او از دنیا رفت**

**سلجوقیان** در سال ۱۰۶۴ (۴۴۳ ه.ش) **سرزمین های مسیحی قفقاز را در گرجستان و ارمنستان فتح کردند.**

در **ایران سلجوقیان**، اصفهان را **پایتخت** قرار دادند ۱۳۲ و در آنجا **بناهای مهمی** از جمله **مسجد جامع** که تا به امروز مورد استفاده است، را ساختند. **صدراعظم آنها، حسن طوسی معروف به نظام الملک، مجموعه مدارس**ی به نام **نظامیه** تاسیس نمود، همچنین ارتش و **نظام مالیاتی** را **سروسامان داد.** به لحاظ اجتماعی او **شدیدا حامی حفظ وضع موجود بود.** وی

کتاب سیاستنامه می نویسد **نباید اجازه داد زبردستان شاه قدرت را در دست گیرند**، زیرا این باعث **خسران** بسیار می شود و شکوه و عظمت پادشاه را بر باد میدهد. این به خصوص در **مورد زنان** صدق می کند که به گفته وی نقاب بر چهره دارند و **عقلشان ناقص** است.

**نظام الملک** در ترویج **سیاست سنی گری** سلجوقیان، شیعیان را تحت تعقیب قرار می داد.

شاعر **جهانگرد ایرانی**، **ناصر خسرو**، به معرفی **اسلام شیعی** در ناحیه **بدخشان** در شمال شرق **افغانستان** و جنوب **تاجیکستان** مشهور است. تا به امروز تقریباً کل جمعیت **بدخشان تاجیک شیعه اسماعیلی** بوده و **ناصر خسرو** را به عنوان بنیان گذار **اجتماعشان گرامی** می دارند.

**سلجوقیان** نیز مانند **اسلاف ترک** خود یعنی **غزنویان**، **دلبرستان مشتاق زبان و فرهنگ پارسی** بودند. **عمر خیام**، شاعر و ریاضیدان، چون **محمد غزالی**، فقیه و متکلم، و بعدها **شاعر صوفی مولوی جلال الدین بلخی**، در دوران حکومت سلجوقیان **بالیدند**.

شعر نزد عارفان مسلمان (صوفیان) راهی برای به کنایه گفتن عمق و شدت حالات روحانی بود که آنها آرزوی رسیدن به آن را داشتند.

**صوفیها تاکید دارند که وجود و ذات فطری ما با عالم روحانی پیوند دارد و همه رنج و عذاب بشر به علت جدایی او از این عالم است**.

**جانشینان چنگیز** موفقیت های بی سابقه ارتش او را ادامه دادند و به **سرزمین های دورتر از جمله چین، روسیه و ایران** حمله کردند. **نوه پسری او، هلاکو، رهبری جنگ در ایران** را بر عهده داشت، او در ابتدا **اسماعیلیان** را از پایگاه کوهستانی شان در **الموت بیرون راند**، کاری که پیش از کسی قادر به انجامش نشده بود. **هلاکو تبریز را پایتخت قرارداد و سلسله ایلخانان را تاسیس کرد**.

**هلاکو** تعدادی از **دانشمندان چینی** را به ایران آورد. این اساتید با **دانشمندان ایرانی** از جمله **خواجه نصیرالدین طوسی** که **سرپرستی رصدخانه بسیار پیشرفتهای را در مراغه در آذربایجان ایران** به عهده داشت، کار می کردند. **با آغاز دوره صلح مغولی امکان تجارت در جاده ابریشم فراهم به گونه ای متمایز از گذشته آغاز شد؛ آنچه که منجر به تبادل فرهنگی و تجاری بی سابقه ای بین شرق و غرب شد. در سال ۱۳۹۴ (۶۷۳ ه.ش)، ایلخان بودایی، گیخاتوخان، پول کاغذی چینی را به ایرانیان معرفی کرد که از آنجا به اروپا گسترش یافت**.

**مسیحیان و بودایی ها** بیشترین بخش طبقه **مرفه و ثروتمند جامعه** را تشکیل می دادند و این باعث **ناراحتی مسلمانان تحت حکومت مغول شده بود**. آنها به امید ایجاد تغییر در سیاست، به این نتیجه رسیدند که **برادرزاده گیخاتوخان، غازان خان** را



در سال ۱۳۹۵ (۶۷۴ ه.ش) بر تخت سلطنت بنشانند. غازان خان که در خانواده ای مسیحی بزرگ شده بود، با حمایت مسلمانان به کیش اسلام روی آورد.

**در این دوران بود که رشیدالدین فضل الله کتاب جامع التواریخ در باب جهان نوشت**

تاریخ کلی جهان نگاشته شده و یکی از نخستین منابع مربوط به دوران مغول ها است.

حملات مغول ها از بسیاری جهات باعث از بین رفتن تمدن ایران شد و بسیاری از مراکز فرهنگی از جمله مرو، بلخ و نیشابور پس از این تاخت و تازها نابود شدند. از طرفی دیگر، مغولها زمانی که رسماً حکومتی مستقر تشکیل دادند، از بزرگترین حامیان فرهنگ پارسی شدند و بسیاری از شعرای نامی در آن زمان زندگی می کردند. خانواده مولوی جلال الدین بلخی از زادگاه خود در بلخ گریخته و زمانی که او کودکی بیش نبود ساکن آناتولی شدند تا از دسترس مغول ها به دور باشند. در نیشابور شاعر صوفی، فریدالدین عطار از جمله کسانی بود که طی حملات مغولها جان خود را از دست داد، اما در شهر شیراز، مصلح الدین سعدی موفق شد قبل از ورود مغولها فرار کند. اگرچه او دستگیر و به عنوان برده فروخته شد اما سرانجام با ازدواج با دختر زشت و بد اخلاق اربابش، خود را آزاد کرد. تأثیر زندگی جنجالی سعدی را می توان در یکی از آثار او به نام «گلستان» مشاهده کرد. گلستان اثری برجسته با گفتارهای قصار بسیار است که تقریباً برای هر موقعیتی حکایتی در خور دارد، چنانکه احتمالاً بیشترین نقل قول در ادبیات پارسی از این اثر شده باشد. یکی از قطعه های بسیار زیبای سعدی بر تالار ملل سازمان ملل متحد در شهر نیویورک آویخته است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بیغمی

انشاید که نامت نهند آدمی

**تا پایان قرن سیزدهم (هفتم هجری)، امپراتوری مغول رو به زوال رفت.**

ایران تحت کنترل ایلخانان بود. آسیای میانه که شامل سرزمین های شرق ایران می شد، تحت استیلای خانان جغتای، نوادگان پسر دوم چنگیز خان، قرار داشت. با آغاز سال ۱۳۶۳ (۷۴۱ ه.ش) بسیاری از سرزمین های جغتای غربی مورد هجوم سرداری ترک از قبیله برلاسی قرار گرفت؛ این سردار تیمور نام داشت که در غرب به نامرلان معروف است.

**هدف اصلی تیمور احیای امپراتوری چنگیز خان بود.** او با شاهزاده ای از تبار چنگیز ازدواج کرد تا از این طریق از مشروعیت مغولی استفاده کرده و لقب **گورکان به معنای «داماد»** را از آن خود کند. تیمور بر رویه مذهبی غزنویان و سلجوقیان صحنه گذاشت و با اختیار لقب غازی، **مدعی جهاد در راه اسلام سنی** شد.

**تیمور سمرقند را پایتخت** قرار داد و با این کار قبایل ترک و مغول را که برخی از آنها اسلام را پذیرفته بودند، تحت کنترل خود درآورد.

**تیمور به محض اینکه بیشتر سرزمین های آسیای میانه را تحت سلطه درآورد، دست به جنگ علیه ایران زد.**

با اینکه تیمور بیشتر زندگی خود را صرف جنگ های نظامی کرد، اما از غنایم فتوحات خود استفاده کرد تا **سمرقند را تبدیل به زیباترین شهر زمان خود کند.** او علاقه بسیاری به ساختن بناها داشت و سفارش داد **کاخ بزرگی** در زادگاهش در شهر سبز در جنوب سمرقند بسازند.

**گنبد های قوسی شکل آن زمان، الگویی برای بناهای بزرگ جهان از جمله مسجد شاه در اصفهان و مسجد تاج محل در هند شد.**

**تیمور به معماری بیشتر از ادبیات علاقه مند بود.** چنانکه در روایتی عامیانه نقل است که وی **گریبان حافظ شیرازی** را، که بسیاری او را بزرگترین چهره ادبیات پارسی می دانند، **بابت سرودن این بیت گرفت:**

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

**پسر شاهرخ، الغ بیگ، ریاضیدان و اخترشناسی زبردست بود.** او به عنوان حاکم سمرقند سرپرستی ساخت رصدخانه ای پیشرفته را به عهده داشت و **دقیق ترین نقشه آسمانی را از زمان بطلمیوس، در قرن دوم میلادی به بعد، را رسم کرد.**

**ازبکها به شکوه و افتخار تیموریان در آسیای میانه پایان بخشیدند.** آنها **حاکم تیموری سمرقند، بابر**، را در سال ۱۵۰۵ بیرون راندند.

با این همه **بابر، به کابل رفت و آنجا را پایتخت خود قرار داد و طی دو دهه بعد شمال هند را هدف گرفت.** پس از فتح **دهلی** در سال ۱۵۲۶ (۹۰۵ ه.ش)، او تصمیم گرفت در آنجا ساکن شود و سلسله **مغولان (گورکانیان)** هندوستان را تاسیس کرد.

چادرنشین ها در شرق که **ظاهر اسلام آورده بودند، بسیاری از اصول فرهنگی خود را حفظ کرده بودند.** آنها **حضرت علی(ع) را شخصیتی الهی می دانستند** و این امر باعث شد که برخی از آنها را شیعه لحاظ کنند، اما دقیق تر این است که

آنها تنها گرایش های شیعی داشتند، زیرا اعتقادات آنها از نظر اصول اعتقادی مذهب شیعه کاملاً بدعت آمیز است. با این حال، نمادهای شیعی در تحریک آنها علیه عثمانی های سنی مذهب بسیار موثر بود.

ترکمن ها به علت بی سوادی و عدم آگاهی کافی نسبت به فقه و شریعت، به راحتی تحت تأثیر بزرگان پرجذبه صوفی قرار گرفتند. از جمله مکاتب صوفی که از اواخر قرن سیزدهم (اواسط قرن هفتم هجری) در این ناحیه پا گرفت، صفویه بود. احتمالاً آنها در اصل اهل سنت بودند اما جلب نظر ترکمن ها به شیعه تغییر مذهب دادند. این گروه به خاطر عمامه های خاصی که به دور کلاه قرمز رنگ نوک تیز خود می بستند، به قزلباش یا کلاه قرمز معروف بودند. در طول نیمه دوم قرن پانزدهم (اواسط قرن نهم هجری)، دودمان صفوی به سرعت تمایلات نظامی گرانه یافت و تا سال ۱۵۰۱ (۸۸۰ ه.ش) رهبر جوان و استثنایی آنها، اسماعیل که ۱۴ ساله بود، موفق شد تبریز را تصرف کرده و لقب قدیمی «شاهنشاه ایران» را به خود نسبت دهد.

در دهه بعد، شاه اسماعیل جوان در راس سپاه قزلباش که به او به چشم مراد روحانی شکست ناپذیر می نگریستند. موفقیت های شاه اسماعیل، عثمانی ها را به وحشت انداخت.

در دشت چالدران شاه اسماعیل شکست خورد و به مدت طولانی انزوا گزید

با مرگ زودهنگام او این دوران به پایان رسید.

از آنجا که شاه طهماسب در هنگام مرگ پدرش ده سال بیشتر نداشت، در ابتدا زمام امور به دست نایب السلطنه او (علی بیگ روملو) افتاد که جنگسالاری کارآمد بود و موفق شد رقابت های خانوادگی که امپراتوری جدید را تهدید می کرد، سرکوب کند. طهماسب با سپری کردن دوران کودکی تبدیل به پادشاهی لایق شد که در دوران سلطنت ۵۲ ساله خود در برابر تهدیدات دائمی عثمانی ها در غرب و ازبکها در شرق از دولت صفوی حفاظت کرد. او پایتخت را به قزوین منتقل کرد.

در زمان طهماسب، روحانیان شیعه هنوز جایگاه فعلی را در میان مردم عادی ایران نیافته بودند. شاه فقیهان و روحانیان را از لبنان و جاهای دیگر به ایران دعوت می کرد تا مشروعیت دولت جدید را تحکیم بخشد.

پس از مرگ طهماسب طایفه های مختلف قزلباش رقابت ها را از سر گرفتند و این وضعیت در طول حکومت های کوتاه مدت دو تن از پادشاهان بعدی صفوی، شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده ادامه داشت. نهایتاً پسر ۱۶ ساله محمد خدابنده او را مجبور به کناره گیری از تاج و تخت کرد و با عنوان شاه عباس اول در سال ۱۵۸۷ (۹۶۶ ه.ش) تاج شاهی را از آن خود کرد.

در سال ۱۵۹۸ (۹۷۷ ه.ش) **شاه عباس** پایتخت صفویان را از **قزوین به اصفهان** که به مرکز جغرافیایی این امپراتوری نزدیک تر بود، منتقل کرد.

همچنین **ارمنی ها** با حمایت شاه عباس به عنوان تاجران بین المللی در ایجاد شبکه های تجاری پررونق که ایران را به اروپا، هند و چین وصل می کرد، در اوج موفقیت بودند. به خصوص آنها در دادوستد کالاهای تجملی از قبیل **ابریشم** نقش مهمی داشتند.. **شاه عباس روابط خود را با قدرت های اروپایی به ویژه انگلستان و اسپانیا گسترش داد.**

**مسافران اروپایی** از تغییراتی که توسط شاه عباس در **پایتخت جدید** او به وجود آمده بود، در شگفت می شدند، اصطلاح «**اصفهان نصف جهان**» نمایانگر همین امر است. **طرح اصلی** این شهر به زمان **شاه عباس** بازمی گردد.

**کاخ شاه معروف به کاخ عالی قاپو** (دروازه بزرگ) در سمت غرب میدان رو به روی **مسجد باشکوه شیخ لطف الله** واقع در سمت شرق قرار گرفته است. در سمت غرب **عالی قاپو** یک بلوار حدوداً **شش کیلومتری درختکاری** شده به نام **چهارباغ** تا جنوب زاینده رود ادامه دارد و به **پل الله وردی خان** منتهی می شود که به **سی و سه پل** نیز معروف است.

**پس از شاه عباس** شاهانی ضعیف به تخت نشستند که بیشتر آنها **معتاد به افیون** بودند و بیشتر وقت خود را در **حرمسراها** می گذراندند.

**نهایتاً** در سال ۱۷۲۲ (۱۱۰۱ ه.ش) **سپاهی از افغانها** پایتخت صفویان (اصفهان) را تحت محاصره در آورد.

## فصل ۶

### زیر سایه اروپا (۱۳۰۴-۱۱۰۱ ه.ش)

**پدر ناد توش جان کروسینسکی**، **مبلغ یسوعی اهل لهستان**، که در زمان محاصره افغان ها در اصفهان می زیست، به توصیف **صحنه های وحشتناک** و دردآور رنج و عذاب مردم گرسنه این شهر می پردازد: «**فقر و گرسنگی** بیداد می کند مردم **گاه چرم کفشها** را می جوشاندند و به جای غذا می خوردند؛ در نهایت آنها به خوردن **گوشت انسان** روی آوردند و **خیابان ها پر از لاشه** هایی شد که **ران هایشان بریده** شده بود... کودکان زیادی دزدیده و خورده می شدند، بسیاری از آنها از فرط گرسنگی **نیمه جان** بودند.

در **بحبوحه این هرج و مرج شدید** در دهه ۱۷۲۰ (۱۱۰۰ ه.ش) یک **جنگجوی قزلباش** جوان به نام **نادر قلی بیگ** از **سلسله افشار** یک اتحاد قبیله ای تشکیل داد و موفق شد **کنترل خراسان** را به دست گیرد. تا سال ۱۷۲۹ او **آنقدر قدرتمند** شد که توانست **پشتون ها** را از اصفهان بیرون کند و هم چنین **عثمانی ها** و **روسها** را **وادار به عقب نشینی** نمود، سرانجام **بیشتر قلمروهای صفوی را پس گرفت**. موفقیت های ارتش **نادر** که به **مدد سپاه منظم** و استفاده از **توپخانه جدید** ممکن شد،

**حداقل به صورت تشریفاتی مدتی بر عمر دولت صفوی افزود، اما در سال ۱۷۳۶ (۱۱۲۴ ه.ش) او به این بازی خاتمه داد و خود بر تخت پادشاهی نشست.**

دو سال بعد، **نادرشاه که خود را تیمورلنگ دوم** می پنداشت به هند حمله کرد. در اوایل سال ۱۷۳۹ (۱۱۲۷ ه.ش) ارتش او **دهلی** را که در گذشته پایتخت امپراتوری مغول بود، غارت کرد. غنایمی که آنها به ایران آوردند شامل تخت طاووس معروف، نماد بزرگ قدرت و ثروت مغول و کوه نور حیرت انگیز، بزرگ ترین الماس جهان، بود. (تخت طاووس پس از مدتی ناپدید شد، گمان می رود به منظور بیرون آوردن جواهراتش، آن را ذوب کرده باشند. الماس کوه نور بر تاج ملکه انگلیسی، الیزابت دوم، قرار دارد که هم اکنون در برج لندن به نمایش گذاشته شده است.) **غنایمی** که نادر شاه از هند با خود به همراه آورده بود آنقدر زیاد بود که او به مدت سه سال مالیاتها را در ایران بخشید.

**سپاهیان نادر شاه هم شیعه و هم سنی بودند و به این ترتیب وی تعصبات مذهبی صفوی را کنار گذاشت. این سیاست آرامش موقتی را برای سنیها، مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان ایران به همراه آورد.**

در سال ۱۷۴۷ (۱۱۲۶ ه.ش) **نادر شاه** توسط گروهی از مقامات خود **کشته** شد و ایران یک بار دیگر دچار برهه ای از **هرج و مرج** گردید.

در سالی که **نادرشاه به قتل** رسید، یکی از **مقامات پشتون** وی در شرق به نام **احمد خان ابدالی** از سلسله درانی تاج پادشاهی را بر سر خود گذاشت و خود را «**پادشاه افغانستان**» خواند و **دولت جدیدی** را به همین نام پایه گذاری کرد. پیش از آن اصطلاح «**افغان**» و «**پشتون**» به یک معنا بودند.

به لحاظ تاریخی **دولت جدید افغانستان** این منطقه پشتون نشین را **مرزبندی** کرد؛ به رهبری **احمد شاه** این منطقه تبدیل به یک **کشور** شد. دولت جدیدی که او پایه گذاری کرد نه تنها شامل سرزمین های پشتون بود بلکه نواحی **کابل، هرات و مزارشریف (بلخ)** را نیز که تا به امروز فارسی زبان باقی مانده اند را در بر می گرفت.

در حالی که **احمد شاه** حکومت جدید خود را در شرق تحکیم می بخشید، در **قفقاز ایالت مسیحی گرجستان** استقلال خود از **ایران** را اعلام کرد. در جنوب غربی در **ناحیه فارس** یکی دیگر از **فرماندهان نادرشاه** به نام **کریم خان زند** که دارای اصلیت **لر** یا **کرد** بود، حکومتی محلی برپا کرد و شیراز را پایتخت قرار داد. **کریم خان همچون نادر، ابتدا فردی از دودمان صفوی را به دست نشاندگی شاه خواند و سپس او را در سال ۱۷۶۰ (۱۱۳۹ ه.ش) عزل کرد.** کریم خان از لقب شاه استفاده نکرد و ترجیح داد خود را «**وکیل الرعایا**» بنامد.

**کریم خان** ساده بود و لباس ساده بر تن داشت؛ اگرچه او فرمانروایی قاطع و جدی بود، رفتار کلی او نسبت به زیر

دستاشی و مردم صمیمانه و مهربان بود.»

**در حکومت کریم خان شیراز، مهد شاعران بزرگی چون سعدی و حافظ، به اوج شکوفایی رسید.** بسیاری از مهمترین بناهای به جا مانده در این شهر از جمله بازار وکیل، مسجد وکیل، حمام وکیل و ارگ کریم خان به این زمان برمی گردد و همچنین آرامگاه سعدی نیز از جمله این بناهاست.

**متاسفانه بعد از مرگ کریم خان در سال ۱۷۷۹ (۱۱۵۷ ه.ش)،** جانشینان او در حفظ ثبات دولت زند در مقابل حملات دائمی از سوی کشورهای همسایه و درگیری های داخلی، ناتوان بودند. **سلسله ترک قاجار که در شمال ایران در شهر ساری تاسیس شده بود،** مشکل سازترین آنها بود. **رئیس آنها آغامحمدخان، خواجهای بدخلق که ۱۶ سال از عمرش را به عنوان گروگان در شیراز سپری کرده بود، در سال ۱۷۷۹ (۱۱۵۷ ه.ش) فرار کرد و به شمال رفت تا رهبری ایل قاجار را بر عهده گیرد.**

**آغامحمدخان پایتخت قاجار را از ساری در مازندران به تهران منتقل کرد.** در آن زمان تهران روستایی بین دامنه های البرز و شهر باستانی ری بود. با گذشت ده سال قاجارها تصمیم گرفتند حکومت خود را به آرامی به طرف سرزمین های مجاور توسعه دهند و در سال ۱۷۹۴ (۱۱۷۳ ه.ش) **آنها آخرین شاه از سلسله زند را شکست دادند و او را اسیر کردند.**

**آغامحمدخان بیشتر عرصه تاریخی ایران را تحت حاکمیت خود در آورد و در سال ۱۷۹۶ (۱۱۷۵ ه.ش) خود را شاهنشاه نامید.** او که **شاهی سنگدل و بی رحم بود، دشمنان زیادی داشت.** در سال ۱۷۹۷ (۱۱۷۶ ه.ش) او به دست سه تن از ملازمانش که محکوم به مرگ شده بودند ولی به دلایلی بخشیده شده و به زندان افتاده بودند، در خواب کشته شد. پس از **آغامحمدخان برادرزاده او، باباخان که حاکم ایالت فارس بود، با نام فتحعلی شاه بر تخت نشست.**

**فتحعلی شاه به مدت ۳۷ سال بر ایران حکومت کرد.**

با این حال **فتون نظامی ایران از رقبای اروپایی عقب افتاد.** روسها ایالت گرجستان را که در گذشته جزو ایران بود به راحتی تصاحب کردند و ضدمحمله قاجار منجر به جنگی شد که از سال ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۳ (۱۱۹۲-۱۱۸۳ ه.ش) به درازا کشید.

**قاجارها که متوجه قدرت ارتش مدرن روسیه شده بودند، در ابتدا از انگلیس و سپس از فرانسه تقاضای حمایت کردند، اما در خواست آنها چندان مورد توجه قرار نگرفت.**

**نتایج جنگ با روسیه برای قاجارها فاجعه آمیز بود.** روسی ها تصمیم داشتند تا تبریز پیشروی کنند و برای اینکه دوباره صلح برقرار شود، دولت قاجار مجبور شد طبق **معاهده گلستان در سال ۱۸۱۳ (۱۱۹۲ ه.ش) بیشتر سرزمین های قفقاز را به روسیه واگذار کند.** آنها در سال ۱۸۲۶ (۱۲۰۵ ه.ش) **تلاش کردند** مجدداً این قلمروها را به دست آورند، اما موفق

نشدند. بر اساس **معاهده ترکمانچای** در سال ۱۸۲۸ (۱۲۰۶ ه.ش) **قسمت های بیشتری از قفقاز به روسیه واگذار شد.**

**و به این ترتیب لطمه ای به ایران وارد شد** که برای همیشه اثر آن باقی ماند. **تأثیر روانی** این حوادث بر روی مردم ایران آنقدر زیاد بود که **از حدود دو قرن گذشته تاکنون وارد درگیری نظامی علیه کشورهای همسایه خود نشده است.**

**فتحعلی شاه** هر قدر که در **کشورداری ضعیف** بود، در **مسائل جنسی بسیار قدرتمند** بود. گفته میشود که تعداد همسران و معشوقه های وی بیش از هزار نفر بوده و شمار فرزندانش نامعلوم است. حتی امروزه کنایه «**ایل قاجار**» در بین ایرانیها رواج دارد.

**محمد شاه قاجار، نوه و جانشین فتحعلی شاه می شود.**

**بعد از مرگ محمد شاه، پسر ۱۷ ساله او ناصرالدین** در سال ۱۸۴۸ (۱۲۲۷ ه.ش) به جانشینی او انتخاب شد. ناصرالدین شاه در **اوایل سلطنت** از راهنمایی های **صدراعظم و مرشد سابقش، امیر کبیر** استفاده می برد.

**امیر کبیر** به دنبال آن بود که **از طریق ساماندهی** مخارج دربار و مالیات ایالات، خزانه دولت قاجار را تقویت کند. در زمینه کشاورزی او از فروش محصولات از قبیل پنبه و نیشکر حمایت کرد. **در زمینه پزشکی او تیم واکسیناسیونی** تشکیل داد تا با **بیماری آبله** که در آن زمان میان مردم شیوع یافته بود، مقابله شود و جان بسیاری از مردم ایران را نجات داد. از دیگر اقدامات امیر کبیر ساخت **اولین نهاد آموزش عالی** جدید در ایران به نام **دارالفنون** بود که بعدها اساس **دانشگاه تهران** شد. او **روزنامه وقایع الاتفاقیه** را منتشر نمود که پنجره ای رو به وقایع جهان گشود، هرچند شمار کمی از ایرانیان آن زمان توانایی خواندن آن را داشتند.

**با در نظر گرفتن قدرت رو به افزایش امیرکبیر،** عجیب نیست که نمایندگان **بریتانیایی و روسی** با اعضای خانواده شاه توطئه چیدند تا **امیر کبیر** را از صحنه قدرت حذف کنند. **حدود سه سال** پس از آغاز **زاممداری امیرکبیر**، وی برکنار شد و نهایتاً در ژانویه ۱۸۵۲ (۲۰ دی ۱۳۳۰ ه.ش) در **حمام باغ فین کاشان** به دستور شاه به قتل رسید.

در این میان، در ایران **پس از امیر کبیر**، ناصرالدین شاه جوان به **شیوه ای مستبدانه** زمام دولت را در دست گرفت. **تلاش او** برای بازپس گرفتن **هرات** در سال ۱۸۵۷ (۱۲۳۶ ه.ش) توسط **بریتانیا ناکام** ماند. **بریتانیا** ناصرالدین شاه را **مجبور** کرد **قدرت آنها** را در منطقه به **رسمیت** بشناسد، همان کاری که با دولت **حائل افغانستان** در سرزمین هایی که به لحاظ تاریخی متعلق به ایران بود، کرد.

**ناصرالدین شاه** به علت نقش مهم **قدرتهای اروپایی در امور جهان** و شاید برای **فرار** از مسئولیت های خود در کشور، در سال های ۱۸۷۳، ۱۸۷۸ و ۱۸۸۹ (۱۲۵۲، ۱۲۵۷ و ۱۲۶۸ ه.ش) **سه سفر رسمی به اروپا** داشت. این سفرها بسیار باشکوه و پرهزینه بود و **خزانه دولت ایران را خالی کرد.**

مساعی ناصرالدین شاه برای **پر کردن خزانه شخصی** خود با عواید کشور، نتیجه بسیار منفی در بر داشت. او امتیاز انحصاری **استحصال توتون و تنباکو را به یک بریتانیایی** به نام **جرالد تالبوت** واگذار کرد. آنچه که موجب شد **میرازی شیرازی فتوای تحریم تنباکو** را صادر کند. ناگهان تمامی مردان و زنان معتاد به نیکوتین عادت خود را ترک کرده و شاه را مجبور کردند توافق خود با این بریتانیایی را لغو کند. **موفقیت «نهضت تنباکو»** از طرفی موجب خرسندی ذی نفعان شد و از طرف دیگر **نمونه ای از قدرت تهدیدآمیز رهبران مذهبی ایران و نفوذشان بر رفتار اجتماعی مردم را نشان داد.**

حکومت **۴۹ ساله ناصرالدین شاه** که در طول **سه قرن**، طولانی ترین **پادشاهی** به شمار می آمد، در سال **۱۸۹۶ (۱۲۷۵ ه.ش)** به **ضرب گلوله میرزا رضای کرمانی** به پایان رسید. **قاتل او** یکی از طرفداران متعصب سید **جمال الدین** بود، **سوریوگین** از صحنه اعدام او **عکس خوف انگیزی** گرفت. ناصرالدین شاه بی بندوبار، حکومتی را **برای پسر و جانشین خود، مظفرالدین شاه** به ارث گذاشت.

**مظفرالدین شاه** علاقه پدرش را به سفرهای اروپایی به **ارث برده** بود. او در طول یکی از سفرهای خود، **صنعت فیلمسازی** را کشف کرد.

**دو رویداد** در حکومت مظفرالدین شاه **تأثیر گذار** بود که اهمیت اساسی و ماندگاری در ایجاد تحول در ایران و تبدیل آن به **یک کشور مدرن** داشت. یکی **شروع انقلاب مشروطه** در سال **۱۹۰۵ (۱۲۸۴ ه.ش)** بود.

**تاسیس اولین پارلمان انتخاباتی** به نام **مجلس** که در سال **۱۹۰۶ (۱۲۸۵ ه.ش)** تشکیل شد و **تاسیس قانون اساسی که قدرت شاه را محدود** می کرد، از جمله این اصلاحات بودند. مظفرالدین شاه **بیمار و در بستر مرگ** بود؛ وی در **۳۱ دسامبر همان سال (۸ دی ۱۲۸۵ ه.ش)** **قانون اساسی مشروطه را امضا** کرد و پنج روز بعد در گذشت.

**شاه جدید، محمدعلی شاه، پسر مظفرالدین شاه، از ابتدا با مشروطه مخالف بود؛** او به محض اینکه به قدرت رسید به سرعت با تحریک مشروطه خواه بر علیه یکدیگر تلاش کرد مشروطه را براندازد و **اعلام کرد مشروطه برخلاف شرع اسلامی است.** او **حمایت طلبکاران دولتش، یعنی بریتانیا و روسیه، را به خود جلب کرد تا مجلس را تعطیل کنند.** قزاق های ایرانی و روسی در ژوئن **۱۹۰۸ (تیرماه ۱۲۸۷ ه.ش)** **مجلس را به توپ بستند.** بریتانیایی ها و روسها ماهها پیش از آن توافق نامه ای تنظیم کرده بودند که طبق آن **ایران به سه قسمت تقسیم می شد؛ شمال کشور منطقه نفوذ روسها، جنوب منطقه نفوذ بریتانیا و مرکز بیطرف.**

در جنوب ایران در **شهر مسجد سلیمان،** که در دوران باستان **مقر ییلاقی تمدن بزرگ عیلام** بود، **نفت** کشف کرد. **شرکت نفت ایران - انگلیسی (APOC اپک)** که **پدر صنعت نفت کنونی بریتانیا است، یک سال بعد تاسیس و داریسی مدیر آن شد.** در طول **پنج دهه** بعد صنعت نفت ایران به همراه بیشترین سهم از درآمد آن به **دست مهندسان و مدیران بریتانیایی** افتاد.



در میانه این هرج و مرج رضاخان، افسر نظامی کارآمد و کاریزماتیک، عضو بریگاد قزاق قاجار که تحت آموزش روس ها بود، و از اهالی شهر آلاشت در مازندران، اقدام به کودتای نظامی کرد و در سال ۱۹۲۱ (۱۲۹۹ ه.ش) بر حکومت سیطره یافت. اولین اقدام رضاخان فرستادن ارتش برای مبارزه با جنگلی های معروف بود؛ نهضتی بر ضد ظلم اربابان در حق رعایا که در سراسر استان گیلان از سال ۱۹۱۴ (۱۲۹۳ ه.ش) فعال بود.

جنگلی ها با حمایت بلشویکها، حاکمان جدید روسیه، در ماه مه سال ۱۹۲۰ (۱۲۹۹ ه.ش) جمهوری سوسیالیستی ایرانی شوروی را تشکیل دادند. اما نیروهای رضا خان در تابستان ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ ه.ش) جنگلی ها را به انحطاط کشید و پراکنده کرد. سپس مرز بین ایران و جمهوری سوسیالیستی شوروی در امتداد رود ارس مشخص شد و منطقه آذربایجان را به دو قسمت، جمهوری شوروی آذربایجان در شمال و ایالت آذربایجان ایران در جنوب تقسیم کرد. رضاخان به عنوان یک چهره سیاسی بسیار قدرتمند در ایران سر بر آورد و شاه قاجار را زیر سایه خود گرفت.

## فصل ۷

### مدرن سازی و دیکتاتوری: عصر پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ه.ش)

میرزا کوچک خان، رهبر فراری جمهوری موقت سوسیالیستی شوروی ایران که حامیان بلشویکی پیشین او را رها کرده بودند و قشون قدرتمند رضاخان در تعقیبش بود، به همراه یک ماجراجوی آلمانی - روسی معروف به گائوک، به کوههای خلخال در شمال غرب ایران، پناه برد. در دوم دسامبر سال ۱۹۲۱ (۱۱ آذر ۱۳۰۰ ه.ش) این دو انقلابی بر اثر سرمازدگی جان سپردند. یکی از ملاکین محلی جسدهای یخ زده آنها را پیدا کرد و سر میرزا کوچک خان را از بدنش جدا کرد و برای نشان دادن حمایت خود از دولت جدید آن را برای رضاخان در تهران فرستاد.

رضاخان با پیروزی در برابر جنگلی ها و کردها این جسارت را به دست آورد که شورشهایی که سالیان متمادی از جانب روسای قبیله ای در سراسر کشور صورت می گرفت، را سرکوب کند و قدرت خود را تحکیم بخشد. تا سال ۱۹۲۳ (۱۳۰۲ ه.ش) او آنقدر قدرتمند شده بود که توانست پادشاه رسمی کشور، احمد شاه را به اجبار به اروپا تبعید کند تا بتواند کابینه اش را تشکیل دهد.

رضاشاه تحت تاثیر تحولات مدرن سازی آتاتورک، موسس جمهوری ترکیه، در دهه ۱۹۲۰، تلاش کرد تا شیوه های خشونت آمیز این رهبر کاریزماتیک ترک را برای تبدیل ایران به کشوری مدرن به کار بندد. علاوه بر تضعیف قدرت قبیله ها با مجبور کردن آنها به سکونت در روستاها و اشتغال به کشاورزی، برنامه رضاخان شامل کاستن از نفوذ روحانیت شیعه، تاسیس مدارس به سبک غربی، بیمارستان ها، دادگاهها، بانکها، کارخانه ها و سیستم های ارتباطی و شرکت دادن زنان در

**فعالیت‌های اجتماعی می شد. رضاخان برای به وجود آوردن هویت ملی یکپارچه، سبک لباس های سنتی را ممنوع اعلام کرد و به استفاده از زبان فارسی به عنوان تنها زبان رسمی و ملی کشور تاکید کرد تا با این کار مانع از ایجاد جنبش های جدایی طلبانه و محلی میان چادرنشینان و جمعیت غیر فارس که نصف جمعیت کشور تا تشکیل می دادند، شود.**

**بیشتر این تغییرات به اجبار ایجاد شده بود و اغلب با مخالفت های شدید روبه رو بود. رابطه رضا شاه با روحانیت بسیار پرتنش بود، به خصوص پس از حادثه ای که در ماه مارس سال ۱۹۲۸ (نوروز ۱۳۰۷ ه.ش) اتفاق افتاد؛ رضاشاه وارد حرم حضرت معصومه در قم شد و یک روحانی را که روز قبل به نداشتن حجاب ملکه در آن زیارتگاه اعتراض کرده بود، کتک زد. شاه در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۴ ه.ش) حجاب را به کلی ممنوع کرد.**

**هنگامی که گروهی از بازاریان، روستاییان و روحانیون در سال ۱۹۳۵ (۱۳۱۴ ه.ش) در مسجد گوهرشاد تظاهراتی بر پا کردند، شاه قشونی را برای متفرق کردن آنها فرستاد و به سنت دیرینه ممنوعیت بی حرمتی به اماکن مقدس اعتنایی نکرد. رضاشاه توانست در ظرف حدود بیش از یک دهه ایران را وارد عصر جدیدی کند و این مایه سرافرازی او بود، اما این دستاوردها به بهای قربانی کردن دموکراسی به دست آمده بود و موجبات اختلافات اجتماعی را فراهم آورده بود که در سال های بعد گریبان گیر کشور شد. رضا شاه دیکتاتوری نظامی بود و روش وی در اداره کشور چندان شباهتی به روش های آتاتورک نداشت و بیشتر به آدولف هیتلر که با او هم عصر و بسیار مورد تحسینش بود، شباهت داشت.**

**رضا شاه به چند دلیل خواهان گسترش روابط با آلمانی ها بود. مهم ترین علت این تمایل این بود که سعی داشت با وارد کردن آلمان به مسائل ایران، موازنه ای با نفوذ بریتانیا و شوروی در امور ایران ایجاد کند. عاملی احساسی نیز در بین بود که ریشه در ایدئولوژی آلمان نازی مبنی بر برتری نژاد آریایی، داشت.**

**در سال ۱۹۳۵ (۱۳۱۴ ه.ش) رضا شاه طبق پیشنهاد سفیر ایران در برلین، فرمان داد که از آن پس در دنیای سیاست به جای «پرشیا» از نام «ایران» برای این کشور استفاده شود.**

**البته سیاست طرفداری از آلمان خوشایند دولت های بریتانیا و اتحاد شوروی نبود و بعد از اینکه این دو کشور در سال ۱۹۴۱ بر علیه آلمان متحد شدند، در ماه آگوست همان سال (شهریور ۱۳۲۰ ه.ش) دست به حمله مشترکی بر علیه ایران زدند. رضا شاه عزل و به آفریقای جنوبی تبعید شد و سه سال بعد به علت بیماری قلبی در آنجا از دنیا رفت. این متفقین پسر ۲۱ ساله رضا شاه، محمدرضا پهلوی را که جوانی کم تجربه و تحصیل کرده سوئیس بود، بر مسند قدرت نشانند.**

**در طول حکومت رضا شاه طبقات بالا به علت تبلیغات گسترده، استفاده از کالاها و فرهنگ اروپایی و تحصیل کردن به سبک غربی ها در دانشگاههای تازه تاسیسی ایران و یا خارج از کشور، به شدت دچار غرب زدگی شدند. همچنین طبقه روشنفکری غیر مذهبی شکل گرفت که حامی دموکراسی بود و در خلق ادبیات و هنر از سبک های غربی پیروی می کرد.**

نویسندگانی چون محمدعلی جمالزاده و صادق هدایت ارتباط نزدیکی با اروپا داشتند. در واقع جمالزاده بیشتر عمر طولانی خود را در ژنو گذراند و هدایت در پاریس جان سپرد و در آنجا دفن شد. زندگی کوتاه مدت هدایت بسیار رنج آور بود، او در سن ۴۸ سالگی دست به خودکشی زد. موفق ترین رمان صادق هدایت، بوف کور، نشان دهنده زندگی ملالت بار او است. این کتاب با کابوس جدایی و مرگ از جملات ابتدایی خواننده را متاثر می کند: «در زندگی زخم هایی است که مثل خوره روح را ذره ذره در انزوا می خورد و می تراشد.»

نیما یوشیج، اولین و بزرگ ترین شاعر نوگرای ایران، تحصیلات خود را در مدرسه ای کاتولیک در تهران گذراند. او شعر کلاسیک ایران با وزن های متصلب و محدودیت تشبیهات و استعاره هایش را متحول کرد و خیال و الهام از طبیعت را بر مصرع های آزاد خود افزود:

در شب سرد زمستانی

کوره خورشید هم، چون کوره گرم چراغ من نمی سوزد

و به مانند چراغ من

نه فرو بسته به یخ ماهی که از بالا می افروزد.

احمد کسروی، دیگر نویسنده مشهور آن دوران، در خانواده ای مذهبی متولد شد اما طلبگی را کنار گذاشت و مشهورترین خردگرای ایران شد و همچون اعتقادش به سره نویسی در زبان پارسی، معتقد به پاک دینی بود. وی همچنین روحانیت را مورد حمله قرار می داد. همین افکار کسروی موجب شد تا به علت کفرگویی و توهین به مقدسات به دادگاه فراخوانده شود. کسروی نهایتاً در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۴ ه.ش) توسط فداییان اسلام در دفترش در دادگستری ترور شد.

پس از اینکه در ماه سپتامبر ۱۹۴۱ (شهریور ۱۳۲۰ ه.ش)، محمدرضا بر تخت پادشاهی ایران نشست، متفقین توانستند تدارکات نظامی را از طریق ایران به شوروی که متحد موقت و مصلحتی آنها بود، طی عملیاتی معروف به «دالان ایران» ارسال کنند.

حکومت دست نشانده ای در کردستان تاسیس کردند. با حمایت های نظامی کردهای عراقی به رهبری مصطفی بارزانی، بعد از پایان جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴ ه.ش)، این حکومت موجودیت جمهوری مهاباد را اعلام کرد. یکی دیگر از حکومت های دست نشانده شوروی در همان زمان در آذربایجان ایران تاسیس شد که پرچم خودمختاری آذری ها را بلند کرد.

سال بعد نیروهای شوروی از منطقه خارج شدند و این دو حکومت بی تجربه در هم گوبیده شده و مجدداً به ایران ملحق شدند. زبان کردی رسماً ممنوع شد و رئیس جمهور جمهوری مهاباد، قاضی محمد، به علت خیانت و وطن فروشی اعدام

**شد. بارزانی** که در غیاب قاضی محمد به عنوان رئیس حزب دموکرات جدید کردها در عراق انتخاب شده بود، به **شوروی** گریخت.

**حزب توده کمونیست** که اخیراً تاسیس شده بود محبوبیت روزافزونی میان مردم، به خصوص طبقات پایین و تحصیل کرده که هر چه بیشتر سیاسی میشدند، یافت. شاخه زنان این حزب توسط **مریم فرمانفرمایان** افروزا، شاهدختی قاجار، تشکیل شد. گفته میشود حزب توده تنها حزب در ایران بوده که **فمینیستی** همچون او داشته است. او مشهور به «شاهزاده سرخ» و **منزلش محفل ادیبان و روشنفکران بود؛ صادق هدایت** مهمان ثابت این جمع بود.

**شش هفته بعد محمد مصدق**، که به تازگی **نخست وزیر** شده بود، به ملی شدن صنعت نفت تحقق بخشید. در واکنش به این اقدام، **بریتانیا تمام تلاش خود را کرد تا مانع از فروش نفت ایران به دیگر کشورها شود.**

**مصدق** در ابتدا چشم امید به حمایت ایالات متحده آمریکا که ظاهراً طرفدار دموکراسی بود، **دوخته** بود **اما بریتانیا** از فرصت استفاده کرد و **ایالات متحده** را از قدرت گرفتن **کمونیستها** در ایران ترساند.

در همان هنگام **سازمان سیا** به علت ترس از عواملی که قدرت شاه را تهدید می کرد، نیروی پلیس مخفی به نام سازمان امنیت و اطلاعات کشور (**ساواک**) را به وجود آورد که به مدت دو دهه میان مردم ایران رعب و وحشت ایجاد کرد.

**جلال آل احمد** یکی از **منتقدان صریح شیدایی نخبگان** ایرانی نسبت به **غرب** بود که **کتاب غرب زدگی** را در سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱) به رشته تحریر در آورد. آل احمد **فرهنگ غرب را مرضی** می دانست که **مردم ایران را از درون نابود می کرد.** «غرب زدگی می گویم».

در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲)، **شاه دست به مجموعه اصلاحاتی زد و آن را «انقلاب سفید» نامید.**

یکی از **جنگالی ترین** و **بحث برانگیز ترین جنبه های اصلاحات شاه**، **دادن حق رای به زنان** در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) بود. **بسیاری از این معترضان**، **طلاب حوزه علمیه** در **شهر قم** بودند. واکنش **خشونت آمیز شاه** در **مقابل این اعتراض ها**، **از سوی یک روحانی شجاع و متهور به نام روح الله خمینی (ره) محکوم شد.**

**اما آیت الله خمینی (ره)** حمایت بسیاری از مردم عادی ایران را برای **اعتراض علنی علیه شاه**، جلب کرد. او در ماه ژوئن ۱۹۶۳ (**خرداد ۱۳۴۲**) **تظاهراتی برپا کرد** که به **موجب آن دولت مجبور شد دست به کشتار صدها نفر** از معترضان بزند و این روحانی را **دستگیر** کند. هم **صنفان آیت الله خمینی (ره)** برای آنکه از اعدام وی جلوگیری کنند، وی را به عنوان **مرجع تقلید معرفی** کردند و **رژیم ناچار شد وی را صرفاً به حبس خانگی محکوم کند.**

**سال بعد شاه تصمیم گرفت با تبعید آیت الله خمینی (ره) نخست به ترکیه و بعد به نجف در عراق، از دست او خلاص شود.**

**پیش از تبعید** مهمترین آماج انتقادات آیت الله مصونیت قضایی نظامیان آمریکایی بود که در ایران زندگی می کردند، از ۵۰ سال پیش تا آن زمان بر شمارشان بسیار افزوده شده بود. **آیت الله خمینی (ره) در یکی از سخنرانی های خود به صورت طعنه آمیز اظهار نمود: «اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست از او می کنند، اگر پادشاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد هیچکس حق اعتراض ندارد.»** برای بسیاری از مردم ایران برگزاری جشن های پادشاهی ۲۵۰۰ ساله توسط شاه، نشان دهنده بی اعتنایی وی نسبت به مردمش بود. این جشن بسیار پر زرق و برق و پرهزینه بود که در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) در تخت جمشید برگزار شد. **شاه | خانواده های سلطنتی و سران دولت ها را از سراسر جهان به این جشن دعوت کرد و بسیاری از آنها این دعوت را نپذیرفتند. شاه در طول این مراسم تجملی و خودستایانه در مقابل مقبره کوروش کبیر در نزدیکی پاسارگاد ایستاد و با غرور اعلام کرد: «آسوده بخواب کوروش، ما بیداریم.»**

در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) **رویدادی به وقوع پیوست که به طور چشمگیری اقتصاد ایران را متحول کرد.** در اعتراض به حمایت غرب از اسرائیل در جنگ یوم کیپور، اعضای عرب سازمان اپک (صادرکنندگان عمده نفت)، در فروش نفت به غرب محدودیت هایی را اعمال کردند. **قیمت نفت به طور ناگهانی تقریباً چهار برابر شد.** کشورهایی مانند آمریکا که به نفت ارزان قیمت عادت کرده بودند با بحران های شدیدی مواجه شدند و از طرفی کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران به ثروت غیرمترقبه ای دست یافتند.

**ثروت نفتی عظیم ایران** در زمینه های صنعتی، آموزشی و بهداشت عمومی پیشرفت های عملی به همراه داشت. اقشار مختلف از جمله زنان و اقلیت های مذهبی از امکانات تحصیلی و شغلی بسیاری برخوردار شدند. در نهایت، افزایش عظیم ثروت کشور بیشتر به نفع طبقه مرفه شهری تمام شد، به خصوص آنهایی که با خاندان سلطنتی در ارتباط بودند. **با تورم مهارناشدنی،** مصرف کنندگان عادی جامعه لطمه شدیدی خوردند. بازارها پر از کالاهای خارجی شد، با قیمت هایی که تولید کنندگان داخلی نمی توانستند با آن رقابت کنند. از همه مهم تر، کشاورزان ایرانی با واردات ارزان قیمت محصولات عمده غذایی نظیر گندم، از پای درآمدند. **این تحولات اجتماعی و اقتصادی با افزایش آزادی های سیاسی همراه نبود.**

**حزب سیاسی فراگیری به نام «رستاخیز» تشکیل داد و نظام تک حزبی در ایران را اعلام کرد.**

**بیشتر درآمدهای نفتی ایران صرف خریداری تجهیزات نظامی پرهزینه از آمریکا می شد و یا به طور مخفیانه به جیب دوستان صمیمی شاه می رفت.**

**مردم ناراضی دور هم جمع می شدند و به سخنرانیهای مهیج آیت الله خمینی (ره) که به صورت ضبط شده بر روی نوار**

**کاست از عراق وارد ایران می شد، گوش میدادند. علی شریعتی جریان مخالف دیگری را در داخل ایران هدایت می کرد. شریعتی در حسینیه ارشاد تهران سخنرانی می کرد و در طرفداران بسیاری در بین دانشجویان یافت.**

شریعتی اصطلاح «**تشیع سرخ**» (اشاره به خون شهدا دارد نه نماد مارکسیسم را در برابر «**تشیع سیاه**» مطرح کرد.

**سخنرانیهای شریعتی منجر به دستگیری او در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) شد. او پس از یک سال و نیم بازداشت، آزاد شد. در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) او کشور را به مقصد انگلستان ترک کرد اما سه هفته بعد به طرز مشکوکی از دنیا رفت.**

**حکومت مستبدانه شاه همچنین موجب شکل گیری دو سازمان انقلابی چپ گرا شد؛ مجاهدین خلق التقاطی و فداییان خلق مارکسیست.**

اواخر سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) با چندین تظاهرات مردمی گستره علیه حکومت شاه همراه بود. طبقه متوسط به نمایندگی گروه هایی مانند **جبهه ملی، که از بازمانده های نهضت ملی مصدق بودند، و نهضت آزادی** روز به روز قدرتمندتر و سازمان یافته تر می شدند. بیشتر رژیم موجب تحریک بیشتر **تندروهای مذهبی** شده بود؛ آنها در **روزنامه اطلاعات** مقاله ای با نام **مستعار** منتشر کردند که **توهین** به شخص **آیت الله خمینی (ره)** تلقی شد پس از آن **آیت الله شریعتمداری دیگر روحانی بلند پایه از موضع سنتی سکوت روحانیت دست کشید و به معترضان پیوست.**

**کشتارهای شهر قم** باعث شد مردم به بهانه برگزاری مراسم **چهلمین روز** در گذشت شهدا در شهرهای مختلف جمع شوند و باز زد و خورد به کشته و زخمی شدن عده ای دیگر منجر شده و برگزاری مراسم **چهلیم به زنجیره ای** از تظاهراتها منجر شد که هر دو گروه **معترضان مذهبی و غیر مذهبی در آن شرکت می کردند.** هر بار که نیروهای ضدشورش افراد بیشتری را می کشتند، خشم مردم از رژیم تشدید می شد. در تابستان ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) هنگامی که شاه خبر از اصلاحاتی داد که شامل **پایان سانسور و انتخابات آزاد مردمی می شد، اوضاع تا حدودی آرام شد.** اما در نوزدهم اگوست (۲۸ مرداد ۱۳۵۷) **سینما رکس آبادان** عامدانه به آتش کشیده شد که برخی تندروهای اسلام گرا را عامل آن معرفی کردند و برخی دیگر **ساواک** را. در نتیجه این حادثه که مجدداً موجب **شعله ور شدن اوضاع** شد، ۴۲۲ نفر به علت سوختگی و خفگی جان خود را از دست دادند، زیرا درهای سینما از بیرون قفل شده بود.

**حادثه ای که با عنوان جمعه سیاه در خاطره ها ماند.**

**آیت الله خمینی که هنوز در عراق به سر می برد، با سخنرانی های تهییج کننده از حس نفرت و خشونت روزافزون مردم استفاده برد. او به پیشنهاد یکی از مشاوران خود به حومه شهر پاریس منتقل شد و از آنجا به رسانه های آزاد غربی برای اشاعه انتقادات تند خود علیه رژیم شاه دسترسی بیشتری یافت.**

**در دوم دسامبر حدود دو میلیون نفر در راهپیمایی روز عاشورا شرکت کردند. چهار روز بعد، شاه شخصا در برنامه ای**

تلویزیونی مردم را خطاب قرار داد و گفت: «**من هم صدای انقلاب شما را شنیدم.**» او به خاطر اشتباهاتش عذرخواهی کرد و قول داد با احزاب مخالف همکاری کند تا دوباره نظم عمومی برقرار شود.

با این وجود، در روزهای بعد نیز تظاهرات ادامه یافت و همچنان میلیون ها نفر از معترضان در سراسر کشور به خیابان ها می آمدند. در مقابل شاه یکی از رهبران جبهه ملی، **شاپور بختیاری را به نخست وزیری** منصوب کرد، اما دیگر خیلی دیر شده بود. در برابر ناآرامی های پی در پی، شاه که بیماری اش نیز تشدید شده بود، در ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۶ دی ۱۳۵۷) **کشور را ترک کرد و هرگز بازنگشت.**

بسیاری از کشورها تمایلی به پذیرفتن شاه نداشتند، او همچون هلندی سرگردان از مصر به مراکش سپس به باهاما و بعد به مکزیک اواره بود. سرانجام آمریکا برای درمان بیماری به او اجازه ورود به این کشور را داد. دولت ایالات متحده علی رغم اینکه دولت انقلابی جدید ایران از او درخواست کرد تا شاه را به آنها تحویل دهد تا محاکمه شود، او را به **پاناما** فرستاد. شاه بعد از **توقفی کوتاه** از آنجا به **مصر** بازگشت و در ۲۷ جولای ۱۹۸۰ (۵ مرداد ۱۳۵۹) بیماری سرطان او را از پا در آورد. **سلسله پهلوی و پادشاهی ایران، با قدمت بیش از ۲۵ قرن، با هم به پایان راه رسیدند.**

## فصل ۸

### جمهوری اسلامی ایران (از ۱۳۵۷ تاکنون)

در اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ۱۳۵۷) هواپیمای خصوصی ۷۴۷ شرکت هواپیمایی **ایرفرانس پاریس** را به مقصد تهران ترک کرد. و گروهی از مشاوران او به همراه ۱۲۰ خبرنگار در این هواپیما حضور داشتند. **پیتر جنینگز، خبرنگار آمریکایی از آیت الله خمینی (ره) پرسید:** از اینکه بعد از چهارده سال تبعید به وطن بازمی گردد چه احساسی دارد، وی با بی اعتنائی پاسخ داد: «هیچ». اما برای سایر حاضرین در این پرواز ترس حس غالب بود؛ ارتش ایران هیچ تضمینی نداده بود که به محض اینکه هواپیما وارد حریم هوایی ایران شد، سرنگون نشود.

مردم ایران، از گروههای مختلف سیاسی مارکسیست، سکولار، دموکرات و مذهبی - همه با هم تلاش کردند شاه را از کشور بیرون کنند. از میان صداهای مختلف انقلابی، **تنها آیت الله خمینی (ره)، رهبر مذهبی کاریزماتیک** توانست همه را پشت سر خود بسیج کند. آیت الله خمینی با اشاره به حمایت گسترده مردم از وی بر **برکناری دولت بختیار** تاکید کرد و همزمان **مهدی بازرگان، مهندس میانه رو و رهبر نهضت آزادی، را به نخست وزیری دولت موقت منصوب کرد.**

در اواخر ماه مارس ۱۹۷۹ (۱۲ فروردین ۱۳۵۸) دولت موقت **رفراندومی عمومی** برگزار کرد و با رای ساده آری یا نه، از مردم خواست موافقت یا عدم موافقت خود را با تشکیل «**جمهوری اسلامی**» اعلام کنند.

در تابستان همان سال (مرداد ۱۳۵۸) **پیش نویس قانون اساسی جدید تدوین** شد. این قانون نظام را پارلمانی تعیین کرد، هر چند بالاترین مقام دولتی به رهبر اختصاص داده شد، آنچه که ابتدا بر نظریه منحصر به فرد ولایت فقیه که توسط خود آیت الله خمینی (ره) طرح شده بود، داشت. طبق این نظریه ریاست حکومت باید بر عهده فقیه جامع الشرایط باشد.

پس از اینکه آمریکا در اواخر اکتبر ۱۹۷۹ (آبان ۱۳۵۸) به شاه اجازه ورود به خاکش را داد تا در آنجا تحت معالجه قرار گیرد، در چهارم نوامبر (۱۲ آبان)، گروهی از دانشجویان تندرو وارد سفارت آمریکا در تهران شدند و ۵۲ نفر از دیپلمات های آمریکایی را گروگان گرفتند. گروگان ها تا ۴۴۴ روز و تا پس از مراسم تحلیف رونالد ریگان رئیس جمهور جدید آمریکا در ژانویه ۱۹۸۱، آزاد نشدند.

**بحران گروگان گیری** که در نتیجه نقض **قانون بین المللی** مصونیت دیپلماتیک رخ داد، موجب شد نخست وزیر ایران، **بازرگان**، از مقام خود **استعفا** دهد. بازرگان سپس به **صف معترضان** پیوست و همواره سعی داشت به نوعی این اعتراض را بیان کند.

در ژانویه ۱۹۸۰ (۱۶ بهمن ۱۳۵۸) **ابوالحسن بنی صدر** به **عنوان نخستین رئیس جمهور اسلامی انتخاب** شد. حزب جمهوری اسلامی، نهضت آزادی، حزب توده و فداییان خلق در این انتخابات شرکت کردند. اما پس از آن فعالیت احزاب چپ ممنوع شد.

**صدام حسین**، رئیس جمهور عراق به **بهانه اختلافات مرزی** دیرینه دو کشور، دستور حمله به ایران را در ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) صادر کرد. او امیدوار بود بتواند از مشکلات داخلی ایران استفاده ببرد، اما حمله عراق تنها به **قدرتمندتر شدن رژیم جدید ایران، منجر شد**. علاوه بر ارتش و سپاه پاسداران، بسیاری از مردان و پسران جوان که به نیروی بسیج مستضعفین پیوستند، به جبهه های جنگ شتافتند.

در این میان **سازمان مجاهدین خلق** در عراق مستقر شد و تلاش کرد از آنجا به حمله علیه اهداف ایرانی دست بزند. آنها در تابستان ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) **مجموعه عملیات بمب گذاری ترتیب دادند که طی آن دهها نفر از مقامات سیاسی عالی رتبه ایران از جمله رئیس جمهور، نخست وزیر و رییس دیوان عالی ترور شدند**.

**آمریکا پس از این افتضاح** تصمیم گرفت به طور جدی در جنگ از عراق حمایت کند. این کشور اطلاعات نظامی ایران را در اختیار عراق قرار میداد و **پرچم آمریکا** را بر روی کشتی های نفتکش کویته که نفت عراق را حمل می کردند، به اهتزاز در می آورد تا مانع از حمله ایران به آنها شود.

**سرانجام جنگ ایران - عراق** در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) به پایان رسید. **سال بعد آیت الله خمینی (ره) از دنیا رفت**. کمی قبل از آن **جانشین از پیش تعیین شده وی، آیت الله حسینعلی منتظری** با توجه به اختلاف نظرهایی که با سایر مقامات



جمهوری اسلامی داشت از این مقام عزل شده بود، بنابراین **آیت الله علی خامنه ای** به رهبری جمهوری اسلامی انتخاب شد.

**آخرین اقدام مهم آیت الله خمینی صدور فتوای ارتداد سلمان رشدی بود.** این نویسنده هندی **اصلا تبعه انگلستان که در خانواده ای مسلمان متولد شده بود،** به علت نگارش کتاب **آیات شیطانی** مرتد و قتلش واجب اعلام شد. بیانیه آیت الله خمینی تظاهرات گسترده ای در سراسر جهان اسلام و خارج از آن به پا کرد. **بعضی ها که در انتشار این کتاب دست داشتند، کشته شدند. رشدی پنهان شد و بعد از آن کمتر در انظار عمومی ظاهر می شود.** در پی این حوادث **بریتانیا روابط دیپلماتیک خود را با ایران از سال ۱۹۸۹ تا سال ۱۹۹۸ (۷۷-۱۳۶۸) قطع کرد.**

در **دهه دوم** پس از انقلاب سیاست داخلی ایران تحت مدیریت **علی اکبر هاشمی رفسنجانی، چهارمین رئیس جمهور ایران،** قرار گرفت. وی **که روابطی قوی با تجار بازاری داشت، فردی عمل گرا و محافظه کار بود که هدف اصلی دولتش را بازسازی اقتصاد ورشکسته ایران عنوان کرده بود،** در حالی که محدودیتهای اجتماعی را نیز در نظر داشت. اگر چه رفسنجانی برخی اصلاحات را در زمینه آزادی بازار انجام داد، اما رشد اقتصادی در طول این دوره ناامیدکننده بود، به خصوص پس از وضع تحریم های آمریکا در سال ۱۹۹۵.

در همین زمان **دختر رفسنجانی، فائزه هاشمی،** فعالیت های سیاسی خود را آغاز کرد. او بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ (۷۹-۱۳۷۵) **نماینده مجلسی بود و بعد از آن در امور زنان فعال شد.** او که تا حدودی تحت حمایت پدرش بود، با پوشیدن **شلوار جین و حمایت از ورزش بانوان** بحثهای جنجالی را موجب شد. او همچنین **روزنامه ای در حمایت از حقوق زنان بنیان گذاشت.**

در **بعد اجتماعی،** طرح تنظیم خانواده در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) ارائه شد و با موفقیت همراه بود؛ **میزان باروری زنان نسبت به قبل از انقلاب از هر شش فرزند به ازای یک زن به ۱/۷۱ تا سال ۲۰۰۷ کاهش یافت.** با این حال جمعیت ایران در طول این مدت از کمتر از ۳۵ میلیون به بیش از ۷۵ میلیون نفر رسید و این به علت کاهش شمار مرگ و میر نوزادان و افزایش متوسط عمر افراد بود. در مانگاه های بهداشت زنان در سراسر کشور آموزش مسائل جنسی و وسایل پیشگیری از بارداری را در اختیار زوج های جوان گذاشتند. **با این اقدامات ایران به داشتن یکی از بهترین سیستم ها در زمینه حقوق باروری زنان مشهور شد.** هر چند این سیاست گذاری روبه رشد در نهایت تغییر یافت.

**دهه های بعد از جنگ** نیز برابر بود با **پیشرفت های زنان** در زمینه تحصیلات عالی و اشتغال، اگر چه آنها **حق قضاوت نداشتند،** زیرا این تصور می رفت که آنها به **دلیل روحیه حساسی** که دارند، نمی توانند بیطرف باشند و به درستی قضاوت کنند.

تعداد دانشجویان زن نسبت به مرد افزایش یافت و سواد آموزی حتی به روستاهای دورافتاده نیز راه یافت. زنان ایران با چالش‌هایی در زمینه حق طلاق و سرپرستی فرزند روبه‌رو بودند، اما فعالان حقوق زنان در این زمینه‌ها نیز به پیشرفت‌های بسیاری دست یافتند.

دهه ۱۹۹۰ (۱۳۷۰) مصادف بود با شکوفایی سینمای ایران که آن را به عنوان یکی از فعال‌ترین و خلاق‌ترین صنایع فیلم سازی به دنیا معرفی کرد. فیلم «بادکنک سفید» به کارگردانی جعفر پناهی همراه با روایت داستانی تأثیرگذار از دید کودکان، که برنده جایزه دوربین طلایی جشنواره فیلم کن در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) شد، شروع این موفقیت‌ها بود. دو سال بعد فیلم «طعم گیلانی» ساخته عباس کیارستمی، نویسنده فیلم بادکنک سفید، برنده معتبرترین جایزه کن یعنی نخل طلا شد. معروف بود که کیارستمی برای دور زدن سانسور کودکان را در فیلم‌هایش به تصویر می‌کشید، ولی این بار موضوع فیلم او خودکشی بود. در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۰) اصغر فرهادی با فیلم «جدایی نادر از سیمین» به نابوی اجتماعی دیگری پرداخت، این فیلم که فشارهای طاقت فرسای جامعه مدرن ایران بر زندگی زوجی جوان را نشان می‌دهد، برنده جایزه اسکار برای بهترین فیلم خارجی شد و سینمای ایران را به طور گسترده به جامعه آمریکا معرفی کرد.

در طول دهه ۱۹۹۰ (۱۳۷۰) و پس از آن تدریجاً از میزان نظارت‌ها کاسته شد که این امر به ویژه ناشی از تلاش‌های محمد خاتمی که از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ (۷۰-۱۳۶۱) سمت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر عهده داشت، بود. انتخاب غیرمنتظره وی به ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶)، ورود شمار زیادی از اصلاح‌طلبان به مجلس را در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) در پی داشت که تحولات مهمی در فضای اجتماعی و سیاسی ایران را موجب شد؛ کاهش کنترل‌های اجتماعی و تنش‌زدایی از روابط با غرب از جمله این تحولات بودند. خاتمی که از فلسفه غرب به خوبی مطلع بود، مسئله گفتگوی تمدنها را مطرح کرد و این پاسخ‌تندی به نظریه هشدار مانند «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون، استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد بود. هانتینگتون با مطرح کردن این نظریه در جامعه خود نیز با واکنش‌های تندی روبه‌رو شد. او در مقاله‌ای نوشت: «بعضی‌ها می‌خواهند به زور افکار متصلب خود در مورد اسلام را به دیگران تحمیل کنند و آن را دین خدا بنامند در حالی که به لحاظ قوه استدلال توان مواجهه با متفکران هم‌کیش خود را نیز ندارند و به تحجر و تعصب متوسل می‌شوند. این تنها به اسلام آسیب می‌رساند، بدون اینکه مردم را به اهدافشان برساند.»

در دوران ریاست جمهوری خاتمی روزنامه‌های مستقل رونق پیدا کردند، نمایشگاه‌های هنر مدرن توسعه یافتند و تعداد کافه‌رستوران‌های مدرن به سرعت افزایش یافت، این در حالی بود که رمان‌ها و فیلم‌ها به دنبال سوژه‌های جنجالی از قبیل فحشا، فساد دولتی و استعمال مواد مخدر بودند. ایران پس از سوئد دومین کشور بوده که آمار عمل‌های جراحی تغییر جنسیت در آن نسبت به دیگر کشورها بالا است، و این به علت صدور فتوای آیت‌الله خمینی (ره) مبنی بر مجاز بودن

## چنین جراحی هایی است که آن را نسبت به همجنس گرایی ارجح دانست.

در این دوره گرچه قوانین مربوط به حجاب اجباری همچنان به قوت خوب باقی ماند اما در اعمال آن تساهل هایی نیز می شد. **میزان عمل های جراحی بینی به شدت افزایش یافت و زدن چسب بر روی بینی به مد تبدیل شد. معصومه ابتکار، که در آمریکا تحصیل کرده بود، نخستین زن ایرانی شد که به هیئت دولت راه یافت و خاتمی او را به معاونت رئیس جمهور و ریاست سازمان حفاظت محیط زیست منصوب کرد. او در جریان اشغال سفارت آمریکا سخنگوی دانشجویانی بود که نقش اصلی را در گروگان گیری داشتند.**

**دامنه اصلاحات خاتمی با مخالفت های محافظه کاران، روبه رو شد. سیاست آمریکا نسبت به ایران نیز به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نیویورک و واشنگتن تندتر شد. رئیس جمهور آمریکا، جرج بوش، در سال ۲۰۰۲ به جای استقبال از اقدامات خاتمی و تلاش برای بهبود روابط، ایران را یکی از محورهای شرارت» خواند، در حالی که ایران به طور مخفیانه با آمریکا علیه القاعده و طالبان در افغانستان همکاری کرد. بیانات نابهنگام بوش در ایران توهینی عامدان تلقی شد و حمایت داخلی از خاتمی را تضعیف کرد. در پایان خاتمی موفق به تثبیت اصلاحاتی ماندگار نشد و بسیاری از همکاران و حامیان وی در انتخابات های آتی رد صلاحیت شدند. پس از او نیز کاندیدای مورد حمایت اصول گرایان، محمود احمدی نژاد، برنده انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) شد.**

در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، اصلاحات دوران خاتمی به کلی از بین رفت و جبهه گیری در برابر غرب شدت یافت. سیاستمداران و رسانه های غربی با بیانات تحریک آمیز و توهین آمیز احمدی نژاد و اغراق نمودن و وارونه نشان دادن مسائل، موضع خود را نسبت به ایران تغییر دادند. اظهارات احمدی نژاد مبنی بر اینکه اسرائیل باید از نقشه جهان حذف شود، به طور گسترده از رسانه های بین المللی پخش شد. هرچند این سیاست رسمی جدید دولت ایران تلقی شد، اما در حقیقت او **بیانات آیت الله خمینی (ره) مبنی بر اینکه «رژیم صهیونیستی از صفحه روزگار حذف خواهد شد» را بازگو می کرد.**

همچنین احمدی نژاد با تاکید بر **تداوم برنامه غنی سازی اورانیوم در ایران موجب نگرانی غرب و شدت گرفتن سیاست های خصمانه آنها شد که افزایش احتمال حمله نظامی اسرائیل یا ایالات متحده به تاسیسات هسته ای ایران را در پی داشت. با توجه به شکست اشغال نظامی افغانستان و عراق، تعداد کمی از رهبران غربی با گزینه نظامی موافق بودند، اما عناصر جنگ طلب در اسرائیل و ایالات متحده مصرانه خواهان جنگ بودند.**

با اینکه در **پایان دوره اول دولت احمدی نژاد، به نظر می رسید محبوبیت وی کاهش یافته است، او در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) مجدداً در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد اما دو نامزد دیگر به نتایج انتخابات اعتراض کردند که این موجب**

اعتراضات خیابانی چند ماهه نسبت به نتایج این انتخابات شد. در واکنش به این اعتراضات تعداد زیادی از معترضان را دستگیر شدند و طیف وسیعی از چهره های اصلاح طلب محکوم به سازمان دهی اعتراضات شدند. **موسوی و دیگر نامزد انتخابات این دوره، مهدی کروبی، در خانه هایشان محبوس شدند.**

با توجه به این وقایع، **دوره دوم احمدی نژاد** با سیاست های تندتر داخلی و لحن تهاجمی تر نسبت به غرب همراه بود. در طول این دوره، **سپاه پاسداران، که احمدی نژاد رابطه بسیار خوبی با آن داشت،** در بخش های مهم اقتصادی ایران به خصوص در صنعت نفت و مخابرات، فعال تر شد. برنامه هسته ای ایران بر روابط دیگر کشورها با این کشور تاثیر گذاشت و موجب شد **تحریم های اقتصادی علیه ایران افزایش یابد.** در حالی که بیشتر دولت های غربی بر راه حل دیپلماتیک تاکید داشتند، نخست وزیر جنگ طلب اسرائیل، **بنیامین نتانیاهو** که مورد حمایت راست گرایان در کنگره آمریکا بود، **همچنان قاطعانه مداخله نظامی** را لازمه مقابله با ایران می دانست.

**تحریم بین المللی ایران و اوضاع آشفته داخلی** در طول دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد موجب **کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری شد.** آلودگی هوا در شهرها با افزایش وسایل نقلیه که در عین حال به دلیل تحریم ها ناچار به سوزاندن بنزین نامرغوب بودند، افزایش یافت و بسیار خطرناک شد. **کنترل دانشگاه ها افزایش یافت** و برخی از اساتید اجباراً بازنشسته شدند و اصلاحاتی در رشته هایی که «غربی» محسوب می شدند، پدید آمد.

در بحبوحه افزایش تنش داخلی پیرامون موضوع هسته ای ایران، در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) **انتخاب روحانی نسبتاً میانه رویی که در اسکانند حقوق خوانده بود،** به ریاست جمهوری مایه خوشحالی بسیاری در داخل و خارج از کشور شد. حسن روحانی فوراً موضع ایران در برابر غرب را تعدیل کرد، به خصوص در زمینه برنامه هسته ای ایران، اما در دوره او نیز مردم با گذشت زمان شاهد تغییرات اندکی در زمینه آزادی های اجتماعی، پیشرفت های اقتصادی و اصلاحات دموکراتیک بودند.

در سه ماهه آخر قرن بیستم، مردم ایران با بحران ها و چالش های گوناگونی مواجه بودند و قرن بیست و یکم شاهد سیل مهاجرت های گسترده به کشورهای باثبات به خصوص کشورهای غرب اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا بود. پیش از انقلاب ایران میزان مهاجرت از ایران در کمترین حد بود. نخستین جوامع خارج از وطن ایرانی در اروپا و آمریکای شمالی توسط افرادی تشکیل شد که معمولاً از خانواده های ثروتمند بودند و برای تحصیل به خارج از کشور رفته و در آنجا ماندند و اغلب با زنان غربی ازدواج کردند.

از طرفی دیگر انقلاب ایران سیل عظیمی از مهاجرت را به خصوص در میان نخبگان جامعه با خود به همراه داشت. بیش از یک میلیون نفر در جنوب کالیفرنیا ساکن شدند، جایی که میزبان بزرگترین جامعه ایرانی خارج از کشور است. بقیه

**مهاجران به انگلستان، فرانسه، آلمان، کانادا و استرالیا** رفتند. طی سالهای بعد تعداد زیادی از ایرانیان همچنان کشور را به دلایل سیاسی یا اقتصادی و یا هر دو ترک کرده اند. **اکثر این مهاجران متخصصین و نخبگان علمی** بوده اند که از **مهاجرتشان با عنوان فرار مغزها یاد** می شود. **گسترده‌گی فرار مغزها از ایران پس از قرون شانزدهم و هفدهم بی نظیر بوده است.**

**امروزه ایرانیان** در کشورهای غربی به میزان بالایی از **موفقیت های شغلی** دست یافته اند و از موقعیت های اجتماعی **خوبی برخوردار** هستند. در آمریکای شمالی، از **نظر آماری ایرانیان بعد از آلمانی ها**، دومین گروه مهاجری هستند که بیشترین تحصیل کرده را دارند. برخلاف مهاجرانی که از دیگر کشورهای اسلامی به غرب مهاجرت می کنند، **مهاجران ایرانی سکولارتر** هستند. شاید دلیل این امر این باشد که **آنها در جامعه ای به شدت مذهبی** زندگی کرده اند، برخلاف مهاجران دیگر کشورها که از نظر آنها در وطنشان این عامل به کفایت موجود نیست.

**جهان ایرانی** هرگز نتوانست پس از تجزیه و فروپاشی اش در قرن هجدهم خود را **بازسازی** کند. **افغانستان** از زمان اعلام استقلال احمد درانی در سال ۱۷۴۷ (۱۱۳۶ ه.ش) از ایران جدا شد و دولتی مستقل تشکیل داد تا تاریخ مدرنش متمایز از ایران باشد. سرزمین تاجیکهایی که در آن سوی رود جیحون در شمال سکونت داشتند، **بخشی از روسیه و سپس شوروی** شد و تا اواخر قرن بیستم استقلال نداشت. **کردها در ایران، عراق، ترکیه، سوریه و قفقاز پراکنده شدند و رویای آنها برای تشکیل دولتی مستقل هنوز محقق نشده است.**

اکنون برای بسیاری از ایرانیان، افغان ها، تاجیک ها، کردها و دیگران، **چه آنهایی که در وطن خود به سر می برند و چه آنهایی که در نقاط مختلف جهان هستند، نوعی دلبستگی عاطفی نسبت به فرهنگ و تاریخ ایران** وجود دارد که بر تابعیت رسمی آنها غلبه می کند. یکی از این دلبستگی ها **علاقه مشترک مردم به شنیدن اشعار دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی هم در تهران و هم در شهرهایی مثل کابل، دوشنبه، لس آنجلس و تورنتو است. جشن نوروز یکی دیگر از این دلبستگیها**

## پایان

این مطالب کتاب بود سعی شد که در اطلاعات نوشته شده کتاب مزبور موضوعات به همانگونه نوشته شده بود عینا ارائه گردد و دخل و تصرفی در آن صورت نگیرد.

امیدوارم در سایه رهبری و دولت جمهوری اسلامی ایران تمام بخش هایی که در طول تاریخ از ایران جدا شدند مجدداً به ایران عزیزمان برگردند و در سایه همدلی و در زیر سایه پرچم نظام جمهوری اسلامی قرار گیرند.

تهیه و تنظیم: یوسف هدایی